با کسب اجازه از انتشارات "هنارس" ، اسکن کتاب "وحی کودک" را برای عموم در سایت قرار دادیم.

کتاب مخفی یهود

نبوئت هیلد

این کتاب قرن ها در کتابخانه علمای یهود به نام کتاب مرموز مخفی بوده است

JEWRY BANTIING AFFLATUS JEWRY BANTIING AFFLATUS JEWRY BANTIING AFFLATUS JEWRY BANTIING AFFLATUS

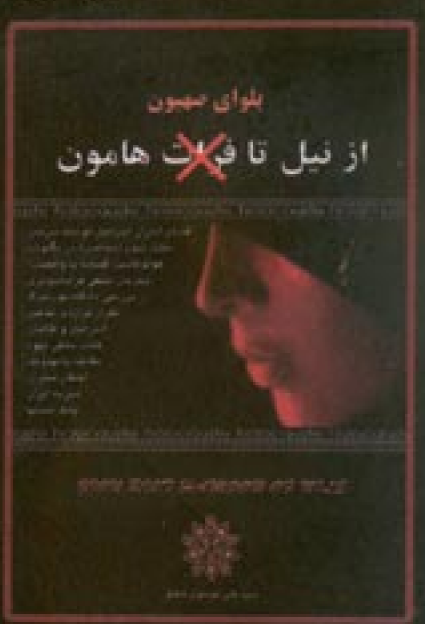
JEWRY BANTIING AFFLATUS JEWRY BANTIING AFFLATUS JEWRY BANTIING AFFLATUS JEWRY BANTIING AFFLATUS

JEWRY BANTIING AFFLATUS

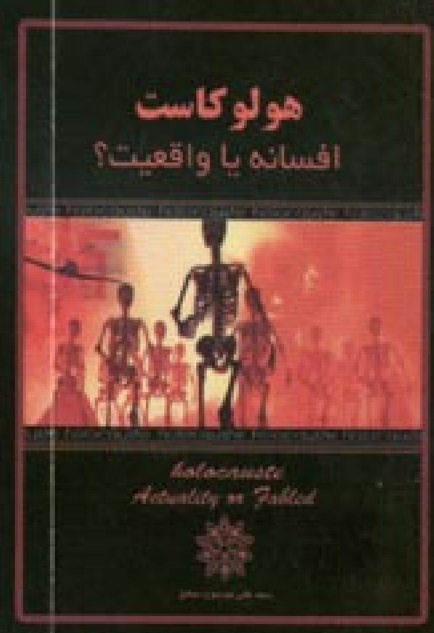


سید علی موسوی مطلق

برخی از آثار مؤلف درباره یهود و صهیونیست









کتاب مخفی یهود
نبوئت هیلد

علی موسوی مطلق

نبوئت هیلد
سید علی موسوی مطلق

ناشر: انتشارات هنارس
نوبت چاپ: دوم (چاپ اول خرداد ۸۵) تاریخ چاپ: ۱۳۸۵
چاپ و صحافی: زیتون / شیرازی امور رایانه: الغدیر قم
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه قیمت: ۸۰۰ تومان
isbn:964-8736-21-9 شابک: ۹ـ۲۱ـ۸۷۳۶ـ۹۶۴
مرکز پخش: قم ـ خیابان صفائیه ـ کوی ممتاز ـ کوچه‌ی فروردین
انتشارات هنارس ـ تلفن: ۷۸۳۱۴۱۱ ـ ۷۷۴۵۰۸۳

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱۱
پیشینه‌ی تاریخی کتاب نبوئت ۱۶
مخفی نمودن بشارات ۲۰
برخی از بشارات کتب یهود ۲۲
شرح آیات کتاب نبوئت هیلد
آیه اول
* پس از این بیاید امت: ۳۳
* و گروهی که جهان را متزلزل سازند و بدست پسر کنیزک: ۳۵
* خرابیها: ۳۵
* و خاموشی‌ها: ۳۶

آیه دوم

❋ در جهان: ۳۷
❋ متحرک کند: ۳۸

آیه سوم

آیه چهارم

❋ درخت برازنده: ۴۰

آیه پنجم

❋ روشن کننده: ۴۴
رهبری امت ۴۴
توضیح ادامه آیه‌ی: ۴۸

آیه ششم

❋ محکم فرماید سخن گفتن را: ۴۹
❋ و مدح کردن و تسبیح نمودن را: ۵۰
معراج پیامبر ۵۰
❋ و برود ـ و بپرد: ۵۰
خلاصه چگونگی معراج ۵۰

اثبات علمی سرعت سیر پیامبر در معراج ۵۳
سیاره‌های نترونی ۵۳
مدار ۵۰ درجه ۵۵
❋ و بیرون آورد جان امیران را: ۵۶

آیه هفتم

❋ نابود کند عُزّا را: ۵۷
❋ و از عزت بیندازد عزیزان را: ۵۷
❋ و باطل فرماید هرگونه بدعت را: ۵۸
❋ و سلطنت کند آسمان را: ۵۸

آیه هشتم

❋ از میان اعراب برخیزد: ۵۸
❋ و فرزندان بت پرستان را با شوکت فرماید: ۵۹
❋ قانون بالای قانون: ۵۹
علت نزول قرآن در طول زمان ۶۰
❋ و خواندنش موجب شرح صدر و فرح است: ۶۲

❋ ❋ ❋

آیه نهم

معجزه شق القمر: ۶۳

تحقیقات سازمان ناسا در خصوص معجزه شق القمر: ۶۴

آیه دهم

* ستاره‌ها و یا برج‌ها به طویله کشیده شوند: ۶۶

* و بروید کسی که سزاوار هرگونه کمال است...: ۶۶

آیه یازدهم

* برتر از همه: ۶۷

آیه دوازدهم

* وی اسیر کند در ساعت خوبی در سرزمین مرغوب: ۶۸

* و خدا او را رحم کند............................ ۶۹

آیه سیزدهم

بشارات ظهور حضرت امام زمان: ۷۲

آیه چهاردهم

* لباس کهنه‌ی سیاست: ۷۶

آیه پانزدهم

برچیده شدن بت‌ها: ۷۷

آیه شانزدهم

شش نفر آرزومند به سختی افتد.................. ۷۸

کربلا و عاشورا ۷۸

* چسبیدگان به زحمت افتند: ۷۹

آیه هفدهم

مصائب کربلا: ۷۹

آیه هجدهم

* سر از قفا با خنجر بریده شود: ۸۱

* دو دست قطع گردد: ۸۱

* در کنار شط فرات واقع شود: ۸۴

* تغییراتی در زمین و آسمان پدید آید: ۸۴

آیه نوزدهم

خیمه‌های سوخته‌ی رنگین: ۸۷

آیه بیستم

اسارت: ۸۹

آیه بیست و یکم

اولاد ادومی: ۹۰

آیه بیست و دوم

محبت شیعیان: ۹۱

آیه بیست و سوم

بنی عباس ۹۲

مجلسیین........................ ۹۳

توضیح پایانی........................ ۹۳

منابع ۹۴

دهانش شیرین است و تمامش محمّد است، این محبوب من است و این یار من است ای دختران اورشلیم.

سرود سلیمان (فصل پنجم، آیه‌ی ۱۰ تا ۱۵)

پیشگفتار

تاریخ قبرستانی بزرگ، تاریک و غمناک بود. قرن‌ها پس از یکدیگر همه سرد و سیاه، نسل‌ها پی در پی همه تکراری. اندیشه‌ها و آرمان‌ها همه موروثی و تمدن و هنر همه مرده. ناگاه در ظلمت افسرده شب، لرزه‌ای بر اندام هستی و طپشی سراسر گیتی را فرا گرفت و انقلابی در عمق جان‌ها و جوششی در قلب وجدان‌ها ایجاد، و نوری سپید جهان عصیانگر را چون روز روشن نمود. آن شب که آبستن یک مسیح و اسارتی زاینده‌ی یک نجات بود و انهدام طور خودساخته‌ی سامی‌ها و عروج خاک مرده آدم به روح را به دنبال داشت مشعل فروزان هدایت و انسان بودن را به

دست چوپانی از تبار بت شکن تاریخ داد که همچون مسیح لطافت نسیم رحمتش دلها را آغشته‌ی محبت، و چون موسی به یکباره آتشفشان غضب و قهر بر ظالمان فرود آورده و چون ابراهیم نه تنها بت‌های ساخته‌ی سنگ و خاک بلکه بت جمود و جهل و تعصب سیاه و رذائل و خُلق حیوانی را نابود و فریاد تخلقو بالاخلاق الله را بر سر سیاهی زمان خویش کوبید، بوده تا فردائی را آغاز و غم قرن‌ها رذالت را زدوده و بر پیکره‌ی تاریخ نقشی ماندگار از پاکی به جای گذارد. آری... اسلام آمد... مولودی مبارک که ورق سرنوشت را از سر نوشت و روح را برای ملت‌ها به ارمغان آورد.

این مولود که قرن‌ها قبل مژده تولدش را پیامبرانی آسمانی به بشریت وعده داده بودند، به زودی رگ‌های گیتی را به خروشِ خونِ انسانیت وا داشت. اما سیاه دلان تاریخ و سزار و فرعونِ جاری شده در اذهان که در متون مقدسشان بشارت این ظهور را داده بودند، آنگونه که شیطنت شیطان هبوط آدم را سبب شد و غرور فرعون او را در برابر کلیم الله قرار داد و آتش جهل و شهوت نمرود ابراهیم را فرا گرفت و ابلهان یهود محبت مسیح را ندیدند، آغاز انکار نمودند و این نعمت را منکر گشتند و این خطوط قصه‌ی

یکی از این بشارات است که جهل و غرض یهود آن را قرن‌ها در پَسِ حماقت خود پنهان داشته است.

به حول و قوه الاهی موفق شدیم قسمتی از کتاب وحی کودک را استخراج[1] و با استفاده‌ی بیش از ۱۲۰ منبع فارسی ـ عربی ـ انگلیسی ـ عبری ـ کلدانی، بررسی مجملی که هم اکنون پیش روی شماست تدوین نمائیم. بخش دیگر کتاب نبوئت هیلد متأسفانه تاکنون از پشت پرده‌ی غرض و مرض‌های یهود نمایان نگشته و همچنان در پرده ابهام باقی مانده است. در این زمینه و جهت دست یابی به آن تلاش‌های زیادی انجام شد و پس از تحقیقات بسیار درباره‌ی آن تنها اشاراتی از موضوعش بدست آمد که گویا بخشی از آن درباره‌ی ترور پیامبر اسلام توسط یهودیان و همچنین بشاراتی صریح درباره‌ی موعود آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و افعال یهود در زمان‌های مختلف است.[2]

---

۱. از کتاب‌های بشارات عهدین، کتاب اقامة الیهود فی رد الیهود، کتاب محضر الشهود فی رد الیهود، کتاب تورات صهیونیست.

۲. بنده پس از تحقیقاتی در این زمینه به وضوح نقش یهود را در شهادت پیامبر اسلام مشاهده نمودم، لذا تحقیقات خود را روی این مسئله متمرکز نموده که در

بعضی از استنادات و شرح آیات از کتاب بشارات عهدین و منبع اصلی آن کتاب اقامة الشهود فی رد الیهود[۳] اقتباس گردیده اما به دلیل اینکه چاپ قدیمی این کتاب در دست ما بود هر جا که احساس گردیده توضیح کافی نبوده و یا به استنادات علمی مورد نیاز بوده است، شرح بیشتری داده شده است به حدی که بعضی از مطالب این کتاب برای نخستین بار است که در ایران به چاپ می‌رسد.

با وجود اینکه چاپ اول از کیفیت نامطلوبی از نظر امور فنی برخوردار بود، اما مورد استقبال کم نظیر عموم مردم قرار گرفت، به حدی که در سایت‌های بسیاری مطالبی از آن نقل و مورد توجه قرار گرفت و چند تن از محققان درخواست نمودند که این کتاب را

☞ نهایت منجر به تدوین کتاب اسرار شهادت پیامبر گردید، که هم اکنون مقدمات طبع آن فراهم می‌شود.

۳. البته کتابی دیگر در این زمینه وجود دارد به نام محضر الشهود فی رد الیهود و از اولین کتبی است که درباره‌ی وحی کودک مطالبی بیان داشته است، اما این کتاب درباره‌ی وحی کودک اجحاف نموده و با توجه به اینکه منابع بسیاری در دست مؤلف بوده لکن مختصرگونه به آن پرداخته است. برداشت‌ها و تفاسیر و حتی آیات آن با منابع استخراجی ما تفاوت زیادی دارد که در هنگام بیان آیات به آن اشاره خواهیم نمود.

به زبان‌های انگلیسی و فرانسه ترجمه کنند که انشاء الله این امر هم واقع خواهد شد. بر اساس نظریات علاقمندان تصمیم گرفته شد که چاپ دوم آن با کیفیتی بهتر عرضه گردد، همچنین چون بسیاری از علاقمندان خواستار این بودند که منابع تحقیقی ما به صورت کامل جهت راهنمایی در کتاب ذکر شود، تمامی منابع در انتهای کتاب ذکر گردیده است.[۴] به امید آنکه این برگ سبز مورد پذیرش درگاه احدیت قرار گیرد.

سید علی موسوی مطلق

---

۴. البته بعضی از این منابع از نظر ما جزء «کتب ضاله» می‌باشند، لکن به جهت بررسی بهتر و آشنائی با نظرات مخالفان دین مقدس اسلام از آنها نیز بهره گرفته شده است و با این تفاوت که از متن آنها چیزی در این کتاب نیست، تنها به شبهاتی که مطرح کرده‌اند پاسخ داده شده است، نمونه آن کتاب «میزان الحق» که رد قرآن کریم است می‌باشد.

پیشینه‌ی تاریخی کتاب نبوئت[۵]

در صبح پنجشنبه، اول تشرین[۶] سال ۴۲۰، حدود هفتاد سال پیش از بعثت پیامبر اسلام ﷺ یعنی پس از خرابی دوم بیت‌المقدس کودکی مرموز به نام لُحْمان حَطْوفاه[۷] فرزند یکی از علمای پرهیزکار بنی‌اسرائیل به نام رِبّیِ پَنْحاس و زنی پاکدامن به نام راحیل[۸] متولد گردید. و بلافاصله پس از تولد به سجده افتاد و لحظاتی بعد برخاسته و رو به مادرش کلماتی مبهم و بیمناک به

۵. همانطور که در قبل اشاره شد، تفاوت‌های در بیان منابعی که به نبوئت پرداخته‌اند وجود دارد، مثلا در کتاب محضر الشهود فی رد الیهود نام کتاب نبوت هیلد می‌باشد. از این پس به موارد اختلافی اشاره می‌نمائیم.
۶. از ماه‌های رومی ـ پائیز ـ آبان ماه.
۷. موارد اختلافی: نحمان ـ محضر الشهود فی رد الیهود.
۸. موارد اختلافی: راحل ـ محضر الشهود فی رد الیهود.

زبان آورد: **ای مادر! روی این پرده‌ی آسمان که می‌نگرید نهصد و پنجاه پرده موجود و بالای آن چهار حیوان است و بالای آن حیوانات، کرسی بلند پایه‌ای است و روی آن آتشی است سوزاننده و خدمت‌گذارانی آتشین.**[۹] رِبّیِ پَنْحاس سخت بر آشفت و کودک را امر به خاموشی نمود. کودک از آن هنگام تا دوازده سال سخنی بر زبان نیاورد. مادر از سکوت ناگهانی او رنجیده شد، و گاه به رِبّیِ پَنْحاس می‌گفت: کاش این طفل به دنیا نیامده بود و اکنون که پروردگار مرحمت فرموده از سخن گفتن محروم نبود و بر ما شفقتی و از خدای بزرگ استدعا نمای تا بار دیگر فرزند عزیزمان به سخن آید. رِبّیِ پَنْحاس در پاسخ راحیل گفت: **اگر این کودک زبان گشاید، سخنانی خواهد گفت که موجب بیم و هراس مردم خواهد شد.** ولی راحیل به اصرار ادامه داد و پَنْحاس سر باز می‌زد. اما پس از مدت‌ها پذیرفت و در گوش کودک چنین نجوا کرد: **فرزند عزیزم! آنچه خواهی بگو ولی مجمل و مرموز تا هیچ کس به مقاصد تو آگاه نگردد.** و سپس به

۹. موارد اختلافی: پایان این فراز «کرسی تمام از آتش است» ـ محضر الشهود فی رد الیهود.

درگاه الاهی عرض حاجت نمود و دعایش مستجاب گردید و کودک پس از دوازده سال سکوت، زبان گشوده و کلماتی به زبان آورد. جملات این کودک موسوم به کتاب «نِبْوئتْ هَیِّلِدْ» به اندازه‌ای سر بسته و نامفهوم بود که حتی علماء و مفسرین یهود و اهل لغت عبری را دچار حیرت کرد،[۱۰] البته این ابهام هفتاد سال پس از آن معنا پیدا کرد، و نشان داد که جملات لحمان بشارت ظهور پیامبر آخرالزمان و وقایع معاصر و بعدش بوده است،[۱۱] لکن علمای یهود بعضی مبهات را بهانه قرار داده و علامات و بشارات روشنی که راجع به پیامبر بزرگ اسلام بود را مربوط به شخصی نامعلوم دانسته و این کتاب را متروک و در دسترس طالبین و حتی عوام یهود قرار نمی‌دهند. اما در اثر عنایت خدای متعال یکی از علمای بزرگ یهود[۱۲] پس از تأمل در آئین اسلام، مشرف به

---

۱۰. محضر الشهود فی رد الیهود.

۱۱. ادیب الممالک فراهانی در اشعار خود در مورد ولادت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم اشاره‌ای به این مطلب دارد:

بر بابک برنا پدر پیر خبر داد	بودا بصنم خانه‌ی کشمیر خبر داد
مخدوم سرائیل به ساعیر خبر داد	و آن کودک ناشسته لب از شیر خبر داد

۱۲. البته در بعضی از کتب شخصی دیگر را به نام «حاج بابا قزوینی یزدی» که از

دین مقدس اسلام گردید، و بر اثر یک اتفاق کتابی از کتب بنی اسرائیل به نام (تبعید وَ میصواه)[۱۳] برای چاپ آماده می‌شد و از حسن تصادف نسخه‌ی صحیحی از کتاب نبوئت که به نظر علمای یهود آن زمان هم رسیده و بر صحت آن گواهی داده و مقدمه‌ای هم بر آن نوشته بودند، در آن موجود بود. این عنایت خدای متعال منجر به این گردید که سخنان الاهی آن کودک از پشت پرده‌های ضخیم مرض‌ها و غرض‌ها بیرون آید. ولی باز علمای یهود از نشر آن جلوگیری نموده و فعلا در کتابخانه‌ها و نزد علمای یهود به نام کتاب متروکه و غیر معتمده نگهداری می‌گردد.

* * *

☜ علمای یهود بوده و به دین اسلام مشرف شده است را بیان می‌نمایند، وی صاحب کتاب محضر الشهود فی رد الیهود است، اما منبع ما کتاب «اقامة الشهود فی رد الیهود» است که پیشینه‌ی کهن‌تری نسبت به کتاب محضر الشهود دارد.

۱۳. در منابع قدیمی ما نام کتاب تبعید و میصواه است، اما در محضر الشهود نام این کتاب تأکید و مصوه ذکر گردیده است. لازم به ذکر است آیةالله محمد صادقی صاحب کتاب بشارات عهدین مسلط به زبان عبری است، و صاحب کتاب اقامة الشهود نیز زبان عبری زبان مادری‌اش می‌باشد پذیرفتن رأی این دو نفر که هم مورد تأیید علمای یهود بوده و هم مورد تأیید علمای اسلامند، مناسب‌تر است.

درگاه الاهی عرض حاجت نمود و دعایش مستجاب گردید و کودک پس از دوازده سال سکوت، زبان گشوده و کلماتی به زبان آورد. جملات این کودک موسوم به کتاب «نِبْوئتْ هَیِّلِدْ» به اندازه‌ای سر بسته و نامفهوم بود که حتی علماء و مفسرین یهود و اهل لغت عبری را دچار حیرت کرد،[10] البته این ابهام هفتاد سال پس از آن معنا پیدا کرد، و نشان داد که جملات لحمان بشارت ظهور پیامبر آخرالزمان و وقایع معاصر و بعدش بوده است،[11] لکن علمای یهود بعضی مبهات را بهانه قرار داده و علامات و بشارات روشنی که راجع به پیامبر بزرگ اسلام بود را مربوط به شخصی نامعلوم دانسته و این کتاب را متروک و در دسترس طالبین و حتی عوام یهود قرار نمی‌دهند. اما در اثر عنایت خدای متعال یکی از علمای بزرگ یهود[12] پس از تأمل در آئین اسلام، مشرف به

۱۰. محضر الشهود فی رد الیهود.

۱۱. ادیب الممالک فراهانی در اشعار خود در مورد ولادت پیامبر ﷺ اشاره‌ای به این مطلب دارد:

بر بابک برنا پدر پیر خبر داد — بودا بصنم خانه‌ی کشمیر خبر داد

مخدوم سرائیل به ساعیر خبر داد — و آن کودک ناشسته لب از شیر خبر داد

۱۲. البته در بعضی از کتب شخصی دیگر را به نام «حاج بابا قزوینی یزدی» که از

دین مقدس اسلام گردید، و بر اثر یک اتفاق کتابی از کتب بنی اسرائیل به نام (تبعید وَ میصواه)[13] برای چاپ آماده می‌شد و از حسن تصادف نسخه‌ی صحیحی از کتاب نبوئت که به نظر علمای یهود آن زمان هم رسیده و بر صحت آن گواهی داده و مقدمه‌ای هم بر آن نوشته بودند، در آن موجود بود. این عنایت خدای متعال منجر به این گردید که سخنان الاهی آن کودک از پشت پرده‌های ضخیم مرض‌ها و غرض‌ها بیرون آید. ولی باز علمای یهود از نشر آن جلوگیری نموده و فعلا در کتابخانه‌ها و نزد علمای یهود به نام کتاب متروکه و غیر معتمده نگهداری می‌گردد.

* * *

☞ علمای یهود بوده و به دین اسلام مشرف شده است را بیان می‌نمایند، وی صاحب کتاب محضر الشهود فی رد الیهود است، اما منبع ما کتاب «اقامة الشهود فی رد الیهود» است که پیشینه‌ی کهن‌تری نسبت به کتاب محضر الشهود دارد.

۱۳. در منابع قدیمی ما نام کتاب تبعید و میصواه است، اما در محضر الشهود نام این کتاب تأکید و مصوه ذکر گردیده است. لازم به ذکر است آیة‌الله محمد صادقی صاحب کتاب بشارات عهدین مسلط به زبان عبری است، و صاحب کتاب اقامة الشهود نیز زبان عبری زبان مادری‌اش می‌باشد پذیرفتن رأی این دو نفر که هم مورد تأیید علمای یهود بوده و هم مورد تأیید علمای اسلامند، مناسب‌تر است.

مخفی نمودن بشارات

البته این تنها برخوردی نیست که علمای یهود و سایر ادیان در مواجه با نشانه‌هائی از اسلام در کتب مقدس از خود نشان داده‌اند. در تمامی کتب آسمانی و بشارات انبیاء الاهی و حتی الهامات ناشی از پاک سرشتی و رفتاری، از پیامبر آخرالزمان و وقایع معاصر و بعدش یاد شده است. اما آنچه مهم است حرمت و قداست بی حدّ و حصر اسلام و پیامبرش در بشارات است که کامل کننده سایر ادیان الاهی و بر هم زننده طاغوت و بزرگان متزور که در اثر ناملایمات روحی و روانی و کمبودهای شخصیتی و اجتماعی با تحریف الهامات ربانی به نام قداست آسمانی مُرکب را به خون مردم ساده اندیش رنگین و مَرکب هوس‌های خویش بر پیکر مشتاقان الاه می‌تازند، است. اما این نیرنگ‌ها در برابر اراده خداوند تاب مقاومت ندارند، و با وجود فعالیت‌های بسیار بر علیه اسلام و پیامبر گرامیش [۱۴] آنچه بیش از گذشته خود را نمایان می‌سازد، حقانیت دین اسلام است. صراحت بشارت در

۱۴. جهت آشنائی بیشتر با برخی از خیانت‌های یهود به پیامبر اسلام به کتاب اسرار شهادت پیامبر از آثار مؤلف مراجعه شود.

کتاب‌های تورات، انجیل، زبور، حِجّی نبی، حَبَقُّوقْ، سرودِ سلیمان، کتاب اشعیاء، صفیناه، و سخنان الهامی لُحْمان حَطْوفاه راه را بر بیراهه رفتن می‌بندد. هنگامی که به تاریخ می‌نگریم و در آن سیر می‌نمائیم به وضوح علت این همه تزویر و تحریف، از پنهان نگه داشتن نبوئت هیلد و تفسیر به رأی مغرض، تحریف هدفمند تورات و انجیل و سایر کتب تا ردّ بعضی معجزات را در می‌یابیم. نوع رفتار کنیسه‌های یهود و کلیساهای مسیحیت نشان دهنده‌ی تهی بودن از روح الاهی در این معجونی که از دو دین بزرگ آسمانی و دو شخصیت عظیم الاهی ساخته‌اند، است. علمای این دو دین مقدس بیش از آنکه به فکر تکامل و سعادت هم کیشان خود باشند، دنبال به کوره راه بردن آنها و دور نمودن از حقیقت یهودیت و مسیحیت هستند. خود به حقیقت این دو دین پی برده و بسیاری کلمات و بشارات کتب آسمانی خویش را پنهان نموده و معجونی از تفکرات سیاه خود را به نام تورات و انجیل نثار مردم می‌کنند، و به جای تلاش برای کشف حقیقت و پیدا نمودن راه سعادت به دیگر ادیان می‌تازند و موسای یهودیان عیسای مسیحیان را نفی می‌کند و اینان به آنها حمله می‌کنند و

حتی بیشترین اهانت‌ها را خود به پیامبران خویش می‌نماید. همانگونه که گفته شد در تمامی کتب آسمانی بشارات زیادی در خصوص اسلام و پیامبر و... وجود دارد که بیان حتی گوشه‌ای از آنها در این اوراق مجمل نمی‌گنجد،[۱۵] لکن به دلیل اینکه محوریت بحث ما بر حول یهود می‌گردد، بخشی از بشارات کتب یهود در خصوص پیامبر را عرض نموده و سپس به شرح مختصر آیات کتاب نبوئت می‌پردازیم.

برخی از بشارات کتب یهود

در تورات مثنی آیه‌ی ۱ و ۲ در خصوص پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید:

«۱» وِزُئُت هَبَّراخاهْ اَشِرْ بِرَخْ مُوشِهْ ایشْهٰا اِلُوهیمْ اِتْ بِـنی یِسرائیلْ لِفِنی مُوتُو وِ یُّوْمِرْ «۲» یِهوُاهْ مِسّینی بٰاو زارَحْ مِسَّعیر لامُوُ هُوفیعَ مِهَرْ فٰارانْ وِ آتّاهْ مِرْبِبُتْ قُدِشْ می مینُوا اِشْ داتْ لامُوُ.

«۱» و این است برکتی که برکت داد موسی مرد خدا به بنی

۱۵. به همین جهت مجموعه‌ای شامل بشارات سایر ادیان در خصوص اسلام در حال تدوین است.

اسرائیل هنگام مردنش وگفت: «۲» خدا از سینا آمد، تجلی کرد از ساعیر، درخشان گردید از کوه فاران، و با هزاران هزار مقدسین ورود نمود، از دست راست او شریعت آتشین ظاهر گردید.

آمدن خدا از سینا بر حسب اتفاق علماء و مفسرین تورات نزول وحی الاهی بر حضرت موسی (ع) در طور سینا است. و روی این اصل تجلی خدا از ساعیر و درخشندگیش از فاران نیز تجلی و درخشندگی حق، بر پیمبرانی عظیم‌القدر از این دو مکان بوده است و چون حضرت مسیح (ع) از کوه ساعیر و حضرت محمّد (ص) از کوه فاران (حری) مبعوث گردیدند بدون تردید آیه‌ی فوق بشارت از بعثت این دو پیمبر بزرگ الاهی است که پس از موسی (ع) از این دو مکان مبعوث گشتند.[۱۶] جمله اول اشاره به این است که هنگام نزول وحی الاهی در کوه فاران، هزاران فرشته همراه فرشته‌ی حامل وحی (جبرئیل) بوده و آیات مقدس کتاب

۱۶. برای اهل ذوق و ادب روشن است حادثه‌ای که در آینده رخ خواهد داد برای آنکه وقوع آنرا قطعی و حتمی وانمود سازند، از آن حادثه به لفظ گذشته خبر می‌دهند، چنانکه در محاورات معمول و متداول است. و در بشارت فوق به منظور آنکه تجلی خدا را از ساعیر و فاران حتمی و مسلم وانمود سازد، از آن نیز مانند تجلی از سینا به لفظ گذشته تعبیر فرموده است.

الاهی را با تشریفاتی بی سابقه نازل کرده است. و جمله دوم اشاره به این دارد که شریعت پیمبر اسلام شریعت جهاد است. همچنین حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب عليه‌السلام در دعای سمات می‌فرمایند: **«وَ بِمَجْدِكَ الَّذِی ظَهَرَ عَلٰی طُورِ سَیْنٰاءَ فَکَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَکَ وَ رَسُولَکَ مُوسَی بْنَ عِمْرٰانَ وَ بِطَلْعَتِکَ فِی سٰاعِیرَ وَ ظُهُورِکَ فِی جَبَلِ فٰارٰانَ بِرَبَوٰاتِ الْمُقَدَّسِینَ وَ جُنُودِالْمَلاٰئِکَةِ الصّٰافّینَ وَ خُشُوعِ الْمَلاٰئِکَةِ الْمُسَبِّحِینَ» «پروردگارا! به مجد و بزرگیت که در طور سینا ظاهر نمودی و به آن با بنده‌ی خود و رسولت موسی بن عمران سخن گفتی و بطلعت نورانیت که در ساعیر بر او آشکار نمودی و به ظهور (نور جمالت) که در کوه فاران تجلّی کردی با گروه کثیری از مقدسان، و سپاه منظم فرشتگان آسمان و خشوع کروبیان ثنا خوان».**

کوه فاران بر حسب اتفاق مورخین عرب و عقیده‌ی گروهی از مفسرین تورات، در مکه معظم است که پیامبر اسلام از آنجا به رسالت مبعوث گردید. همچنین در قضیه‌ی حضرت اسماعیل و مادرش هاجر پس از هجرت، تورات بیابان پاران (فاران) را در سِفْر

تکوین[17] نقل می‌کند. در تکوین،[18] تورات به بشارتی دیگر تصریح دارد:

«۲۰» وُلیشَمعیل شِمَعتیخا هینًه برختی اوتُو و هیفرتی اوتو و هیربتی اتو بمئدمئد شنیم عاسار نسیئیم یولد ونتتیو لغوی غادُل

«۲۰» ای ابراهیم دعای تو را در حق اسماعیل شنیدم اینک او را برکت داده بارور گردانیده به مقام ارجمند خواهم رسانید، به وسیله‌ی محمّد و دوازده امام از نسل وی او را امت بزرگی خواهم نمود.

آن چنان که در صفحات بعد توضیح خواهیم داد مقصود از آیه‌ی فوق این است که بوسیله‌ی حضرت محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله و دوازده امام که همگی از نسل اسماعیل می‌باشند، او را برکت داده به مقام ارجمند خواهیم رسانید، و شخصیت و عظمتش بوسیله‌ی ظهور این نور فروزان و دوازده اختر درخشان بیشتر و افزونتر خواهد

۱۷. فصل دوازدهم آیه‌ی ۲۱.

۱۸. ۱۷ - ۲۰.

شد.[۱۹] در تکوین [۲۰] می‌فرماید:

لُویاسر شمط مـی یـهوداوم حـوقق مـیبن و غـلا وعـدکی یبوشیلوه ولو ییقهت عمیم[۲۱].

عصای سلطنت از یهودا و فرمان فرمائی از میان پاهایش نهضت نخواهد نمود، تا وقتی که شیلوه بیاید که به او امتها جمع خواهند شد.

صاحب رساله‌ی هادیه (از علمای مسیحی) آیه‌ی فوق را این گونه ترجمه نموده است که: حاکم از یهودا زائل نمی‌شود وراسم از میان پاهای او، تا آمدن شیلوه که به او امت‌ها جمع خواهند شد. چنانکه روشن است: آیه‌ی فوق سلطنت و نبوت اسرائیل را که از نسل یهودا هستند بوسیله‌ی آمدن شیلوه نامی منقرض دانسته، که رسالت الاهی از دودمان اسرائیل به ایشان منتقل گردد، و تمامی ملل از آئین او پیروی کنند. و جای تردید نیست که مقصود از شیلوه حضرت موسی و عیسی نمی‌باشد، زیرا: اولاً این دو پیامبر

۱۹. بشارات عهدین، ص ۲۱۲.

۲۰. ۴۹ ـ ۱۰.

۲۱. نقل از اصل کلدانی.

از دودمان اسرائیل و یهودا بوده‌اند و ثانیاً بر حسب ترجمه‌ی صاحب رساله‌ی هادیه، مراد از حاکم حضرت موسی علیه‌السلام است که احکام الاهی را برای بنی اسرائیل آورد. وراسم عیسی علیه‌السلام است که شریعت تورات را تکمیل و همان را در میان بنی اسرائیل مرسوم و معمول نمود و ثالثاً محور دعوت این دو پیامبر اسرائیلی دودمان اسرائیل بوده‌اند و مورد بشارات در آیه‌ی فوق کسی است که دعوتش عمومی و جهانی و مورد توجه همگی طوایف بشریت واقع شود و با توجه به آنچه گذشت، تطبیق بشارات فوق بر این دو پیامبر اسرائیلی و یا بر پیمبر اسلام به خوبی روشن و مبرهن خواهد بود. تورات در برخی موارد نیز با بیان روشنتری بشارت ظهور پیمبر غیر اسرائیلی داده و به علامت و امتیازات وی نیز اشاره کرده است. از جمله در تثنیه[۲۲] پرده از چهره‌ی وعده‌ی خدا که به ابراهیم داده است برداشته و بشارت به ظهور پیامبری از نزدیکان برادران بنی اسرائیل داده و می‌فرماید:

نابی آقیم لاهم مقرب احیحم کموشه و ناتتی دباری بفیو و

۲۲. ۱۸: ۱۷ ـ ۲۲.

دبر الیهم ات کال اشر اصونو[۲۳].

و خدا به من فرمود آنچه گفته نیک از برای ایشان پیمبری را مثل تو از میان نزدیکان برادران ایشان مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانشان خواهم گذارد تا هر آنچه که به او می‌فرمایم به ایشان برساند.

در آیه‌ی فوق بر خلاف آنچه برخی از علمای اسرائیلی پنداشته‌اند مورد بشارت پیمبر بنی اسرائیلی نیست تا آنکه یهودیان وی را با حضرت یوشع و مسیحیان با حضرت مسیح تطبیق کنند. زیرا جمله‌ی از میان نزدیکان برادران ایشان که مفاد (میقرب احیحم) است، با صریح لهجه بشارت از پیامبری می‌دهد که از نزدیکان برادران بنی اسرائیل است نه از خود بنی اسرائیل و نه از برادرانش. و نیز در آیه‌ی فوق تصریح نموده که: پیامبر مورد بشارت مانند موسی است، و طبق صریح آیه‌ی ۱۰[۲۴] تورات مثنی تا انقراض جهان پیامبری مانند موسی از میان بنی اسرائیل بر نخواهد خواست چنان که می‌فرماید:

---

۲۳. نقل از اصل کلدانی.

۲۴. از فصل ۳۴.

ولو، قام نابی عود بیسرائیل کموشه اشر یداعو یهواه پانیم ال پانیم[۲۵]. برنخیزد بعد از این پیمبری از میان بنی اسرائیل مانند موسی آن چنان پیامبری که تکلم می‌کند رو برو با خدا.

روی این اصل انتظار ظهور پیامبری از میان بنی اسرائیل مانند موسی بر خلاف صریح کلام وحی و خالی از شاهد است. مقصود از برادران در بشارت فوق عموزاده‌های بنی اسرائیلند که فرزندان عیص (برادر یعقوب) می‌باشند، چنانکه در تثنیه[۲۶] به این مطلب تصریح کرده و می‌فرماید:

و قوم را امر کرده و ایشان را بگو که شما بسرحد برادران خود بنی عیص...

بنابراین پیامبر مورد بشارت از بستگان فرزندان عیص می‌باشد که در آیه‌ی فوق آنها را برادران بنی اسرائیل خوانده است. بر حسب آنچه در قاموس مقدس از آیات کتب مقدسه استفاده کرده، عیص داماد حضرت اسماعیل بوده و نسل وی از دختر اسماعیل

---

۲۵. کلمه ولو در لغت عبری از ادات نفی است که بر سر فعل مضارع آمده و آن را نفی می‌نماید، مثل آن که در عربی می‌گوئیم لا یقوم.

۲۶. ۲۸: ۸ ـ ۱۰.

به وجود آمده است و روی این اصل فرزندان اسماعیل دائی‌های فرزندان عیص می‌شوند. از این مقدمات به خوبی مستفاد می‌شود که پیمبر مورد بشارت از میان فرزندان و نسل اسماعیل که از بستگان برادران اسرائیلند مبعوث به رسالت می‌گردد. و چنانکه در سفر تکوین تورات[۲۷] و انجیل برنابا[۲۸] اشاره شده است وعده‌ای راکه پروردگار درباره‌ی اسماعیل به ابراهیم داده که نسل او را برکت دهد و از میان آن «بمئدمئد» و دوازده امام برانگیزد و همه‌ی قبائل زمین را با این نسل مبارک برکت دهد، آیه‌ی فوق نیز پیمبر اسلام را به عنوان پیامبری که از میان اولاد اسماعیل مبعوث گردد معرفی نموده است.[۲۹]

این نوع بشارات در کتب تورات موسی[۳۰] و کتب عهد عتیق[۳۱] و بعضی کتب عهد جدید وجود دارد، که متأسفانه بر آنها غبار

۲۷. آیه‌ی ۲۰، باب ۱۳.

۲۸. آیه‌ی ۱۹ فصل ۴۳ و آیه‌ی ۸ فصل ۹۳.

۲۹. بشارات عهدین، ص ۲۱۶ تا ۲۱۹.

۳۰. سفر تکوین، خروج، لاویان، اعداد، تثنیه.

۳۱. کتاب یوشع بن نون، ایوب، زبور داود و کتاب‌های سلیمان: امثال، واعظ، سرود و کتاب اشعیا، ارمیاه، حزقیل، دانیال، هوشیع، حبقوق، ناحوم، صفنیاه، حکی، نبوئت، اول و دوم شموئیل، ملوک، توراریخ ایام.

غرض‌ورزی نشسته است. بیان همه‌ی آنها و یا حتی گزیده‌ای از آنها نیاز به اوراقی بیش از این و بیانی زیباتر از این کلام دارد، که در این مجموعه مجالی برای بیان آنها نیست. اما هر عقل سلیمی و هر انسان فرهیخته‌ای اگر سالیانی از عمر خویش را بدون غرض به سیر در تاریخ حقیقی بپردازد، به یقین آنچه که در پایان برای او می‌ماند حقانیت دین اسلام است.

شرح آیات کتاب نبوئت هیلد

آیه اول

آتیا امتا مزع زع[۳۲] بریاتا عابدا هدمتا[۳۳] بیدبن امتا

پس از این بیاید امت ـ و گروهی که جهان را متزلزل سازند و بدست پسر کنیزک ـ خرابیها ـ و خاموشی‌ها پدید آید

*** پس از این بیاید امت:**

به گواهی آیات بعد منظور از «امت»، امت اسلامند که در پرتو تعلیمات عالیه اسلام جهان بشریت را دگرگون ساخت.[۳۴] یکی از موارد برجسته‌ی اسلام نگرش آن به «امت» است. در آیه‌ی فوق

---

۳۲. محضر الشهود: مَزْعَزَعْ.

۳۳. محضر الشهود: هَدَمْدَاتَا.

۳۴. بشارات عهدین.

می‌توانست به جای کلمه‌ی امت، از کلمات شبیه بـه آن اسـتفاده کند، اما واژه‌ی امت در طلیعه‌ی گفتار، مفهومی ویژه دارد. «امّت» از ریشه‌ی «امّ» به معنای آهنگ ـ قصد ـ عزیمت کردن است. اسلام بر خلاف آنچه رایج است، پیوند اساسی انسـانها را نـه در خـون می‌بیند و نه خاک، نژاد، سرزمین و نه اشـتراک در شکـل و نـوع زندگی و... بلکه پیوند اساسی را اینچنین بیان می‌دارد: گروهی از افراد انسانی که یک راه را برای رفتن انتخاب کرده‌اند، حرکت بـه سمت تکامل، پیشرفت، و هدف والائی کـه در انـتظار آنـهاست. بسیاری از مبانی اسلامی به این نکته اشاره دارد، از حج گرفته، تا نماز جماعات و جمعه و زیارات و روزه و دعاهای دسته جمعی و تشیع جنازه و نماز اعیاد مقدس و... واژه‌ی «امت» مطرح شده در اسلام نشان دهنده یک حرکت جمعی متشکل از افرادی که شاید از لحاظ ظاهری و گفتاری و مناسباتی و... با هم در تضاد باشند، ولی همگی به دنبال یک هدف و در یک مسیر حرکت می‌کنند. به زبانی دیگر می‌توان گفت، واژه‌ی «امت» یکی از برتری‌ها اسلام است.

*** وگروهی که جهان را متزلزل سازند و بدست پسر کنیزک:**

پـیامبر اسـلام حـضرت مـحمّد ﷺ از نـوادگـان حـضرت اسماعیل فرزند حضرت ابراهیم است. مادر حـضرت اسـماعیل، هاجر کنیز ساره بوده، به همین دلیل به پیامبر پسر کـنیزک گـفته است.[۳۵] و شاید علت اصلی آن با توجه به ابتدای آیه که «جهان را...» جهت اینکه از انحراف افکار حوزه‌ی زمانی، در هنگام بیان جلوگیری کند، با صورتی متفاوت بیان می‌نماید. تزلزل جهان بـه دست پسر کنیزکی امری عجیب است.

*** خرابیها:**

ظهور پیامبر اسلام منجر بـه خـرابـی‌ها و تـغییرات زیـادی در تمامی ابعاد گردید. از سازه‌های انسانی گرفته، تا تغییر و دگرگونی در عمق تفکرات. از جمله خرابی‌هائی که بدست پیامبر اتفاق افتاد می‌توان به این موارد اشاره نمود: ۱. خرابی قلعه‌ی خیبر و بعضی اماکن و شهرها که در اثر سرپیچی و شکستن پیمان و بر هم زدن امنیت و ایجاد فتنه و آشوب به امر آن حضرت رخ داد. ۲. منهدم

۳۵. بشارات عهدین.

ساختن بنیان کجروی و گمراهی و واژگون کردن کاخهای ظلم و بر هم زدن قوانین و عادات و رسوم جاهلیت و خراب کردن بت‌خانه‌ها و آتشکده‌ها ۳. شکافتن چهار کنگره از طاق کسری در روز ولادت آن حضرت و....

*** و خاموشی‌ها:**

این فراز به جهت موقعیت مکانی، کامل کننده‌ی فرازهای قبل است و بیانگر عمق تغییرات است. از جمله: خاموش شدن آتشکده بزرگ فارس که پس از ده قرن فروزندگی در هنگام تولد آن حضرت خاموش گردید و خاموشی نائره‌ی جنگ‌های خونین و برادرکشی‌های پی در پی و شراره‌های شهوت و کثافات حیوانی در شئون زندگی بشر جاهل.

آیه دوم

بعالما و نشا[۳۶] وحردین کرشا جبارین حاشا[۳۷] و هلمین

۳۶. محضر الشهود: دَنْشَا.

۳۷. محضر الشهود: حَالْشَا.

نشا[۳۸] در جهان ـ فراموشی اندازد، متحرک کند[۳۹]، بترساند، از جای بکند ـ دورکند، براند، بترساند و منهدم سازد و بشکند

چون آن حضرت مبعوث شد خاطرات سؤ و اندیشه‌های غلط و قوانین و سنن منحوس گذشته را به بوته‌ی فراموشی سپرد. رکود فکری و عقلانی مادی و معنوی را از اجتماع بشر کنار زد و بشریت را به سمت کمال مطلوب و مطلوب کامل حرکت داد. و کسانی را که مانع ظهور و انتشار تعالیم حقه‌ی اسلامی شدند و به کجروی و انحراف و فساد و آشوبگری ادامه دادند را از مجازات تلخ و سخت در دنیا و آخرت ترساند و اگر موعظه در آنها تأثیری نداشت ریشه کن می‌نمود و خوف و هیبتش در دلهای مشرکان جا گرفته و کاخهای بیدادگری را واژگون و بت‌ها را شکسته و ستمگران را پایمال ساخت.[۴۰]

*** در جهان:**

بیانگر وسعت حوزه‌ی عملکرد پیامبر و اهمیت آن است.

۳۸. محضر الشهود: قِیْشَا.

۳۹. برای کلمات فوق تا لفظ «کرشا» معانی گوناگوی از مفسرین یهود نقل شده که به ترتیب نگاشته شده است.

۴۰. بشارات عهدین.

*** متحرک کند:**

اگر این جمله را معنای این فراز قرار دهیم: تمامی معانی دیگر که در بعد آمده را شامل می‌شود. پیامبر اسلام از یک مردم جاهل و گمراه و بی فرهنگ و وحشی، انسان‌های والائی ساخت که با گذشت قرن‌ها هنوز فداکاری‌ها و خدمات آنها به جهان بشریت در اذهان باقی مانده است. سایر موارد در انتهای آیه اشاره به جنگ‌ها و غزوات و مبارزات پیامبر و شکستن بت‌ها و تربیت رزم‌آوران و دلاوران و مردان دانش دارد.

آیه سوم

لپشیرت[۴۱] ابابا و میتما میبا لایهوء[۴۲] ارکا ییصمح[۴۳] ملکا

از برای شکسته شدن آن درکه به روی واردین بسته شده به رسیدن آن مکان که محل آمد و شد خلایق نبوده و به واسطه‌ی آمدن پادشاه آبادان می‌گردد

---

۴۱. محضر الشهود: لَشْبِيرَتْ.

۴۲. محضر الشهود: دَمِسَتَّمامی بَاءْ لاَ يِهِوْلِهْ.

۴۳. محضر الشهود: دِیْصَمَخْ.

طبق روایت صاحب کتاب بشارات عهدین درب شکسته که به روی واردین بسته شده، درب خانه‌ی خدا است که در اثر تسلط بت پرستان مدت مدیدی ویران گشته بود و پنج سال قبل از بعثت پیامبر آرام آرام آباد شدنش آغاز و در اثر ظهور اسلام تبدیل به عبادتگاه و قبله‌ی مسلمین جهان گردید.

در شرح دیگری اشاره به قضیه‌ی بستن درب‌های منازل صحابه که منتهی به مسجد النبی می‌شد و تنها بازگشتن درب منزل حضرت علی ﷺ دارد که باعث مخالفت و حسادت بسیاری از منافقین گردید، دارد.

پرواضح است که قبل از ساخت مسجد، آن محل هیچ منزلت و قداستی نداشته، لکن پس از ساخت آن توسط پیامبر، به عنوان عظیم‌ترین پایگاه اسلام در زمان خودش مطرح و مرکز اصلی تصمیم‌گیری سران اسلام واقع شد.

آیه چهارم

مُحَمَّدْ کایا اعا بایا د یطمع هویا و یهی کلیلیا

محمّد ﷺ بزرگ مقتدر ـ درخت برازنده ـ خواهش کرده

شده و مورد غبطه و آرزومندی ـ فرونشاننده ـ نابوده کننده آنچه بوده ـ اوست جمله و کُل ـ وی تاج است ـ باری است بر دوش

*** درخت برازنده:**

این صراحت، جای هرگونه غرض‌ورزی را می‌بندد. بحق درخت برازنده و شجره‌ی طیبه حضرت محمّد ﷺ است. در همین رابطه روایات بسیاری به چشم می‌خورد.

قال رسول الله ﷺ: اِنّ الله خلق الانبیاء من اشجار شتّی و خُلِقْتُ انا وَ عَلِیٌّ من شجرةٍ واحدة فاَنَا اصلُها و علیٌّ فرعها و الحسن و الحسین ثمارُها و شیعتُنا اوراقها فمَنْ تعلّق بغصنٍ من اغصانها نجیٰ و مَن زاغ عنها، هَویٰ و لو اَنّ عبداً عَبَدَالله بین الصّفا و المروة الف عام ثم الف عام ثمّ الف عام حتّی یصیر کالشَّنِ البالی ثمّ لم یُدْرِکْ محبّتنا اکبّه الله علی مِنْخَرِه فی النار.[۴۴]

رسول خدا ﷺ فرمودند: خداوند انبیاء را از درختان گوناگون

۴۴. منهاج البراعة، ج ۶، ص ۱۹۷ ـ بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۳۰ و قریب به این مضمون، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۶۲، حدیث ۸۲.

خلق کرد در حالیکه من و علی از درختی واحد خلق شده‌ایم که من همانند ریشه‌ی آن درختم و علی همانند تنه آن است و حسن و حسین میوه‌های آن هستند و شیعیان ما برگهای آن درختند، پس هر کس خود را به شاخه‌ای از شاخه‌های آن وابسته کند، نجات می‌یابد و هر کس از آن دوری گزیند سقوط خواهد کرد و عملش بیهوده خواهد بود اگر چه بنده‌ای باشد که سه هزار سال بین صفا و مروه عبادت خدا کرده باشد تا اینکه همانند مَشْک خشکیده شود ولی محبت ما را نداشته باشد، خداوند او را با پیشانی به سوی جهنم پرتاب خواهد کرد.[۴۵،۴۶] پیامبر شجره‌ی طیبه‌ی توحید و خداشناسی است شاخه‌های هدایتش سر به آسمان کشیده و بر جهانیان سایه‌ی رحمت و عنایت گسترده است **﴿وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلاَّ رَحْمَةً لِلْعالَمِینَ﴾** با توجه به شخصیت و خصوصیات و جایگاه پیامبر، ایشان مورد غبطه بزرگان قبل و بعد خود بوده و هست. بسیاری از پیامبران الاهی در این خصوص مطالبی بیان داشته‌اند.

۴۵. در متن عربی حدیث در ج ۲۳ بحارالانوار، ص ۲۳ به جای عبارت «شیعتنا اوراقها» عبارت «اشیاعنا اوراقنا» دارد که از نظر مفهوم تفاوتی با هم ندارند.

۴۶. اهل بیت در نهج‌البلاغه، بیانات حجةالاسلام والمسلمین حسین گنجی، تدوین علی اصغر لشکری، انتشارات هنارس.

حضرت سلیمان بن داود در کتاب آسمانی خود (سرود سلیمان)[۴۷] پیامبر را مورد توصیف قرار می‌دهد و می فرماید:

حِکُّو مَمْتَقّیم وِ کُولُو مَحَمَّدیم زِه دُودی وِزِه رِعی بِنُتْ یِرُشالامْ

دهانش شیرین است و تمامش محمّد است، این محبوب من است و این یار من است ای دختران اورشلیم.

مقصود از شیرین دهان، حلاوت زبان و فصاحت و بلاغت بیان شیوای آن حضرت است که بزرگترین سخنوران بلیغ عرب را به زانو آورده بود. از جمله‌ی فوق مستفاد می‌شود که حضرت سلیمان از توصیف محبوب خود عاجز بوده و با این تعبیر اشاره‌ی اجمالی به تمامی اوصاف جمیله‌ی وی کرده است «تماش محمّد است، این محبوب من است و این یار من است ای دختران اورشلیم» نه شما که به زیبائی و دلربائی ظاهری زودگذر خود می‌بالید، شما نه بلکه آن شخص محبوب واقعی من است که از هر جهت پسندیده و محمّد به تمام جهان است.

ایشان فرو نشاننده‌ی شرارهای شهوت و شیطنت است و

۴۷. فصل ۵، آیه‌ی ۱۰ تا ۱۵ ـ توصیف فوق آیه‌ی ۱۶ موافق اصل عبری.

بدعت‌های امم و سنن جاهلیت را ریشه کن نمود. آن حضرت در عین وحدت دارای مقام کلیت روحانی و جامع فضائل عموم رجال آسمانی و کتاب دعوتش شامل دعوات عموم کتب آسمانی و پیامبران الاهی است.

تاج افتخار خاتمیت بر انبیاء مخصوص اوست و بار گرانی است بر دوش معاندین حق که با مشاهده آیات صدق وی به منظور حفظ مقام و ریاست تکذیبش کردند.

آیه پنجم

نهرا کد مطا ولات[۴۸] قص متیعبد[۴۹] قطاطاه و هواه[۵۰] حسف طنیادا ملطا

روشن کننده چون برسد ـ و بنشاند در زمین ـ و به نشان قیامت برساند ـ و جنگ کننده باشد ـ و باشد از سفال و از گل بر آمده باشد

۴۸. محضر الشهود: وِلُتْ.

۴۹. محضر الشهود: مَطًا مِتْعَبِدْ.

۵۰. محضر الشهود: قطاطا و هوا حسف.

*** روشن‌کننده:**

ظهور و تولد پیامبر همانگونه که در قبل عرض شد باعث روشنی و تغییرات اساسی در جهان گردید. راه حقیقت و کمال را به صورت کامل در اختیار بشر نهاد و راه سعادت را روشن نمود. هر چند عملکرد بسیاری از به ظاهر متفکرین و صاحبان علم هزاران راه و بی‌راهه در برابر بشریت نهادند، اما راه اسلام هموارترین و بهترین و مطمئن‌ترین راه برای رسیدن به سعادت است. آنچه دیگران در خصوص سعادت و رسیدن به رفاه برای بشریت بیان داشته‌اند، چیزی جز راهنمائی به سیاهی و تباهی نیست.

رهبری امت

نوع رهبری پیامبر و اساساً نوع رهبری مطرح شده در اسلام حقیقتاً راهنما به سمت روشنائی و سعادت است. همانطور که گفته شد واژه «امت» مطرح شده در اسلام نشان دهنده یک حرکت جمعی متشکل از افرادی که شاید با هم متفاوت باشند، ولی همگی به دنبال یک هدف و در یک مسیر حرکت می‌کنند،

است.[۵۱] هر عقل سلیم و هر منطقی می‌داند و می‌فهمد که این حرکت به محرک، و به یک راهبر و یک راهنما نیاز دارد که مسلط به مسیر و شناخت کاملی از امت داشته و بتواند این کاروان را هدایت کند. ضرورت وجوب امامت هم اینجا خود را نمایان می‌سازد. هنگامی که در عمق واژه‌ی «امت» می‌نگریم، به وضوح نقش امامت و ضرورت آن را درک می‌کنیم. از لحاظ ریشه‌ی لغوی آنها از یک منشأ هستند. وجود چنین شخصی در یک چارچوب خاص با صفاتی معین و لازم و ملزوم، ضروری است. شاید این مسئله مطرح شود که بسیاری جوامع چنینند و عده‌ای با ظواهر متفاوت ولی با یک هدف به سمتی در حرکت هستند و رهبری هم دارند، لکن موفق نبوده‌اند. بله این درست است اما جامعه چه تفکری داشته و به دنبال چه چیزی و چه بوده است؟ و رهبر و راهبر آنها چه خصوصیاتی داشته و چگونه او رهبر شده است، آیا انتخاب شده یا انتصاب، یا بصورت وراثتی آنگونه که در بعضی کشورها رایج است، به عنوان رهبر تعیین شده است؟ اینها مسائل مهمی است. تنها حرکت جمعی یک ملت مهم نیست، بلکه بعضی

---

۵۱. طواف، نمونه بارز آن.

عناصر حتی مهمتر از حرکت جمعی است. مهمتر از همه‌ی اینها، رهبریت یک جامعه دوگونه وظیفه بر عهده دارد، اداره‌ی جامعه و اصلاح جامعه. در بسیاری دولت‌های امروزی رهبریت تنها به حول یک محور می‌چرخد و آن هم اداره جامعه است، نه اصلاح جامعه. اداره بدون اصلاح جامعه برای ایجاد رفاه و خوشوقتی و نه خوشبختی و... از بدترین انواع حکومت‌داری‌هاست، حتی اگر تمام لوازم رفاه یک جامعه فراهم و اعضای جامعه در آزادی مطلق زندگی نمایند. این یعنی نادیده گرفتن انسان و پنداشتن انسان به یک حیوان. انسان زمانی انسان است که در مسیر حرکت به سمت تکامل حرکت کند. تکامل چیست؟ مرز تکامل کجاست، چارچوب تکامل چیست؟ تکامل خداست، رسیدن به خدا، رسیدن به حد اعلای انسانیت. رفاه و آسایش و اقتصاد صحیح و آزادی و خوشوقتی هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است برای رسیدن به تکامل یا به عبارتی خدا و در کلمات شیعی «سعادت». تکامل حد و مرز ندارد، خدا منتهی نیست، پایان ندارد، مانند دریائی نیست که رود خروشان به آن وصل و در آن محو گردد. خدا لامنتهی است، پایان ندارد، یعنی تکامل هم پایانی ندارد، باید

حرکت کرد و در این مسیر هنگامی که به تکامل نزدیک می‌گردد، نسیم‌هائی از خداوند به او می‌رسد که بسیاری از نیازهای بشری را رفع می‌نماید.

انسان خلق نشده که چند روزی در این دنیا به دنبال پول و شهوت باشد و بخاطر آن خونریزی کند و بعد هم سرش را زمین بگذارد و بمیرد و تمام!.

انسان برای حرکت خلق شده به سمت تکامل و سعادت. اما آیا این انسان می‌تواند به تنهائی بدون راهنما به سمت سعادت حرکت کند؟ بایست راهنما داشته باشد آن هم راهنمائی که اداره جامعه یک بخش از وظیفه‌ی اوست و بخش اصلی و اعظم او، اصلاح جامعه است، مانند پیامبران و امامان که مصلح هستند، اصلاح می‌کنند، حکومت می‌کنند و وظیفه‌ی پیامبری خویش را هم انجام می‌دهند، امام علی علیه‌السلام بر مسند اداره‌ی ممالک اسلامی نشست و حدود الاهی را جاری کرد و به مسائل اقتصادی و سیاسی و نظامی و اجتماعی و فرهنگی نیز رسیدگی می‌نمود و مردم را هدایت و جامعه را اصلاح می‌کرد و از ابزار قدرت برای اصلاح جامعه سود می‌برد.

تشیع وظیفه‌ی امامت را به دو بخش تقسیم نموده است یکی اداره جامعه و یکی هم اصلاح.

اصلاح جامعه از نظر تأثیر گـذاری و اهـمیت، مـهمتر از اداره است، چرا که یک مصلح می‌تواند یک مدیر باشد ولی یک مدیر الزاماً نمی‌تواند یک مصلح باشد.

توضیح ادامه آیه‌ی:

و چون خورشید فروزان پیامبر طلوع نمود، جـهان بشـریت را روشن کرد و آئین مبین اسلام را در سراسر جهان گسترانیده، تخم سعادت و هدایت ابدی را در اراضی قلوب کاشت و دینش خاتم ادیان، و تاانقراض جـهان بـر بشـریت وجـود دارد و آن حـضرت مردی سلحشور و دلیر است که یاغیان و گردن کشان را در صورت تجاوز و طغیان به زانو درآورد. گروهی از مفسرین قسمت آخر را اینگونه تفسیر کرده‌اند که آن حضرت «در بـیابان خشک»[۵۲] و از میان اعراب برخیزد.

۵۲. بشارات عهدین، ص ۸۵.

آیه ششم

سکرا[۵۳] پوها ونشجا[۵۴] و اریل کسها نفق[۵۵] پها

محکم فرماید سخن گفتن را ـ و مدح کردن و تسبیح نمودن را ـ و برود ـ و بپرد ـ و بیرون آرد جان امیران را

*** محکم فرماید سخن گفتن را:**

اشاره به فصاحت و بلاغت آن حضرت دارد که خود یکی از معجزات وی به شمار مـی‌رود، و بـزرگترین سـخنوران عـرب در برابر منطق بی نظیرش به عجز و قصور معترف و گفته‌اش را فوق کلام بشری می‌دانستند. همانگونه که در قبل آمد در کتاب سرود سلیمان[۵۶] در مورد حلاوت آن حضرت می‌فرماید:

حکو ممتقیم و کلولو مـحمدیم دهـانش شـیرین و تـمامش محمّد است.

۵۳. محضر الشهود: سکر.
۵۴. محضر الشهود: تشجا.
۵۵. محضر الشهود: نفشه پها.
۵۶. باب ۵، آیه‌ی ۱۶.

*** و مدح کردن و تسبیح نمودن را:**

اشاره به راه‌های گوناگون ستایش و پرستش پروردگار است.

معراج پیامبر

*** و برود ـ و بپرد:**

اشاره به معراج پیامبر دارد در هنگام صعود به عالم بالا و احاطه‌ی کلی بر جهان وجود که فرشتگان و ملائک مقرب و قدسیان آسمان در حضور مقدسش همچون بندگان در نزد سلطان بودند. نقل بشارات عهدین به همین موضوع اشاره دارد. داستان معراج پیامبر به حد متواتر در کتاب‌ها و منابع تاریخی بیان شده و در قرون اخیر بحث‌های علمی به میان آمده که در نهایت منجر به اثبات امکان وجود چنین رخدادی گردیده است. ابتدا بحثی مختصر در خصوص معراج عرض می‌کنیم و سپس بعضی دلائل علمی در خصوص سرعت سیر و... را بیان می‌کنیم.

خلاصه چگونگی معراج

چندی قبل از هجرت، پیامبر به دستور جبرئیل مبنی بر سفری

دور و دراز به همراه هم به نقاط مختلف گیتی با مرکب فضاپیمائی به نام براق سفر با شکوه خود را از خانه‌ی خواهرش امّ هانی آغاز و با همان مرکب به سوی بیت المقدس روانه شد و در مدت بسیار کوتاهی در آن نقطه پائین آمد و از نقاط مختلف مسجد، و بیت اللحم که زادگاه حضرت مسیح است و منازل انبیاء و آثار و جایگاه آنها دیدن به عمل آورد؛ و در برخی از منازل دو رکعت نماز گزارد. سپس قسمت دوم از برنامه‌ی خود را آغاز فرمود. از همان نقطه به سوی آسمان‌ها پرواز نمود؛ ستارگان و نظام جهان بالا را مشاهده کرد و با ارواح پیامبران و فرشتگان آسمانی سخن گفت، و از مراکز رحمت و عذاب بازدیدی به عمل آورد. سپس به سیر خود ادامه داد و به سدرة‌المنتهی رسید، و بعد برنامه وی پایان یافت، و مأمور شد از همان راهی که پرواز نموده، بازگشت نماید. و در بیت‌المقدس فرود آمد، و راه مکه را در پیش گرفت. و در بین راه با کاروان بازرگانی قریش برخورد، که شتری را گم کرده بودند و به دنبال آن می‌گشتند، از آبی که در میان ظرف آنها بود قدری خورد. و بعد از مرکب خود در خانه‌ی امّ هانی پیش از طلوع فجر پائین آمد، و برای اولین بار راز خود را به او گفت و در روز همان شب،

در مجامع و محافل قریش پرده از راز خود برداشت. داستان معراج او که در فکر قریش امر ممتنع و محالی بود در تمام مراکز دهن به دهن گشت و سران قریش را بیش از همه عصبانی نمود. قریش به عادت دیرینه‌ی خود به تکذیب برخاست و گفتند: در مکه کسانی هستند که بیت المقدس را دیده‌اند؛ اگر راست می‌گوئی کیفیت ساختمان آنجا را تشریح کن. پیامبر نه تنها خصوصیات ساختمان بیت المقدس را تشریح کرد بلکه حوادثی را که در میان مکه و بیت المقدس رخ داده بود بازگو نمود و گفت: در میان راه به کاروان فلان قبیله برخورد نمودم و شتری از آنها گم شده بود و در میان اثاثیه آنها ظرفی پر از آب بود و من از آن نوشیدم و سپس آن را پوشانیدم. و در نقطه‌ای به گروهی برخوردم که شتری از آنها رمیده و دست آن شکسته بود. قریش گفتند: از کاروان قریش خبر ده. گفت: آنها را در تنعیم دیدم که شتر خاکستری رنگی در پیشاپیش آنها حرکت می‌کرد و کجاوه‌ای روی آن گذارده بودند و اکنون وارد شهر مکه می‌شوند. قریش از این خبرهای قطعی سخت عصبانی شدند و گفتند: اکنون صدق و کذب گفتار او برای ما معلوم می‌شود. ولی چیزی نگذشت طلائع

کاروان وارد شهر شد و ابوسفیان و مسافران جزئیات گزارش‌های آن حضرت را تصدیق نمودند.[۵۷]

اثبات علمی سرعت سیر پیامبر در معراج

حال عده‌ای در گذشته و اکنون به این حرکت اشکالاتی گرفته و تصور کرده‌اند که قوانین طبیعی و علمی امروز با معراج سازگار نیست. اگر ما بخواهیم پای قوانین طبیعی را به این جا بکشیم، اشکالات زیادی به میان می‌آید. در پاسخ این گروه می‌گوئیم که منظور از توضیح این نوامیس طبیعی چیست؟ آیا می‌خواهند بفرمایند که سیر در عوالم بالا امکان ندارد و ممتنع ذاتی و یک امر محال است؟ که پاسخ‌های علمی در خصوص سرعت سیر را به صورت اختصار عرض می‌نمائیم.

سیاره‌های نترونی

یکی از همین موارد وجود سیاره‌های نترونی است که واکنش ناشی از کنش این سیاره‌ها به قدری سریع است که در همان زمان

۵۷. فروغ ابدیت، حضرت آیةالله جعفر سبحانی، ص ۳۷۹.

با سرعتی چندین برابر سرعت نور در میلیاردها سال نوری در سمت دیگر کهکشان تغییرات ناشی از این کنش صورت می‌گیرد. با توجه به وجود چنین سرعتی، سرعت سیر پیامبر هم قابل درک و اثبات است.[58]

D.F.AMBULANT

همچنین وجود D.F.AMBULANT که بشر تاکنون نتوانسته میزان سرعت آن را بسنجد، نشانگر وجود سرعت‌هایی بالاتر از حد تصور بشر در طبیعت است. این صخره‌های سنگی که در بطنش گازی قرار دارد و درون چاه‌های بعضی سیارات وجود داشته که به صورت مداوم در حال گردش دورانی و گاهی در جهات دیگر است و طبق گفته‌ی مدیر تحقیقات این پروژه سرعت آن به حدی بالاست که زمان تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد.[59] امروزه خصوصاً بعد از پرتاب قمر مصنوعی در سال ۱۹۵۷ به نام اسپوتنیک روشن شد که می‌توان نیروی جاذبه را به وسیله‌ی

.58 heavenward periodical 505 issue 11 october 2001.

.59 heavenward periodical 505 issue 11 october 2001.

موشک خنثی کرد. چنانکه با فرستادن سفینه‌های فضائی حامل انسان واضح است که آنچه را بشر برای خود مانع از سیر در عالم بالا و فوق جو می‌شمرد؛ به وسیله پنجه علم و دانش قابل رفع است. بشر با این ابزار علمی و صنعتی خود می‌تواند مشکلات اشعه کیهانی و نبودن هوای قابل استنشاق و... را حل نماید.

مدار ۵۰ درجه

تحقیقات نشان داده است که هر شئ و یا جسمی در مدار ۵۰ درجه‌ی فضای بین جو زمین و مراتب فوقانی میان بُرد پنجم قرار گیرد، از لحاظ ظاهری شاید تغییری نکند، ولی تأثیرات فضای پیرامونی بر آن به حدی است که اگر در معرض بعضی کنش‌ها قرار گیرد، می‌تواند با سرعتی غیر قابل سنجش به سمت ماوراء کهکشان‌ها حرکت نماید.[60]

ضمناً هرگاه برنامه سیر تاریخی پیامبر، در پرتو عنایات الاهی انجام گرفته باشد، به طور مسلم تمام این نوامیس در برابر اراده قاهر وی تسلیم‌اند، و هر آنی در قبضه‌ی قدرت او می‌باشند.

.60 heavenward periodical 505 issue 11 october 2001.

بنابراین چه اشکالی دارد خدایی که به زمین جاذبه داده است و به اجرام آسمانی اشعه کیهانی بخشیده، بنده‌ی برگزیده خود را به وسیله قدرت نامتناهی خود، بدون اسباب ظاهری از مرکز جاذبه خارج نماید و از خطرات اشعه مصون و محفوظ نگه دارد و از تجزیه‌ی عناصر جلوگیری نماید؟ خدائی که این همه اکسیژن آفریده است، نمی‌تواند در طبقاتی که هوا وجود ندارد برای رسول برگزیده خود هوای لازم را تهیه کند؟ حساب معجزه از حساب علل طبیعی و توانائی بشر جدا است، ما نباید توانائی خدا را مانند توانائی خود محدود بدانیم. اگر ما بدون اسباب، قادر به کاری نباشیم، نباید بگوئیم که آفریدگار توانای علی الاطلاق بدون اسباب طبیعی نیز قدرت ندارد.[۶۱]

*** و بیرون آورد جان امیران را:**

اشاره به مقابله با سران مشرکان و نبرد با آنها را دارد که در بعضی جنگها بسیاری از سران و امیران مشرکان به درک واصل شدند.

---

۶۱. فروغ ابدیت، حضرت آیة‌الله جعفر سبحانی، ص ۳۹۳.

آیه هفتم

عَفا عَزا وِنافِل عزیزا وِباطِلا کَزا وِدی شِلْطَت شِمْیا و کِزا[۶۲]

نابود کند عُزّارا ـ و از عزت بیندازد عزیزان را ـ و باطل فرماید هرگونه بدعت را و سلطنت کند آسمان را

*** نابود کند عُزّا را:**

اشاره به شکستن بت عُزا دارد، البته بیان واژه‌ی «عزا» و در آیه‌ی بعد «عزت» شاید به معنای از عزت انداختن بتُ عزا است.

*** و از عزت بیندازد عزیزان را:**

مانند گذشته اشاره به مقابله پیامبر با سران کفر و الحاد دارد، سران مشرکان در اثر مال اندوزی و نگاه تک بعدی به مادیات و خرافات و افسانه پرستی و غرق شدن در مرداب شهوات و کثافات جایگاه‌ها و مراتبی دروغین برای خویش بافتند که در اثر ظهور پیامبر اسلام همه به زباله‌دان تاریخ فرستاده شدند.

---

۶۲. محضر الشهود: شلطت و کزا.

*** و باطل فرماید هرگونه بدعت را:**

کشیدن خط بطلان بر خرافه‌های انسان جاهل، و نابودی بدعت‌های که در ادیان الاهی وارد شده بود، مورد نظر این آیه است.

*** و سلطنت کند آسمان را:**

این فراز هم اشاره دارد به معراج پیامبر که در قبل مورد بحث قرار گرفت.

آیه هشتم

فَخرادی[۶۳] هِوا وُمِکدِل بِن کَد وا اِت قَوْلا قاو هوا کُلُو[۶۴] بواه

از میان اعراب برخیزد و فرزندان بت پرستان را با شوکت فرماید ـ

قانون بالای قانون و خواندنش موجب شرح صدر و فرح است

*** از میان اعراب برخیزد:**

این فراز بسیار روشن و واضح است، و بشارت ظهور پیامبر از میان اعراب را به صراحت داده است.

---

۶۳. محضر الشهود: فخراری.

۶۴. محضر الشهود: کلبو.

*** و فرزندان بت پرستان را با شوکت فرماید:**

اشاره به این دارد کسانی که از کودکی در مهد شرک و کفر تربیت یافته بودند با اجابت دعوت و تربیت در پرتو تعلیمات آن یگانه مرد، دارای شوکت و منزلتی بس عظیم شدند. نمونه‌ی شاخص آن سلمان فارسی است که آن حضرت درباره‌اش فرموده: **السلمان منا اهل البیت** و به آنانکه سلمان فارسیش می‌خواندند می‌فرمود: **لاتقولوا سلمان الفارسی بل قولوا سلمان المحمدی** سلمان را فارسی نگوئید بلکه سلمان محمدیش خوانید.

*** قانون بالای قانون:**

یکی از امتیازات قرآن این است که آیات مقدس آن در طول بیست و سه سال نبوت پیامبر یکی پس از دیگری بر حسب احتیاجات بر قلب پاکش نازل گردید. هر جا که مردم نیاز به راهنمائی مهم و ضروری داشتند، قرآن بر حسب نیاز نازل می‌شد و گویا این بیست و سه سال تبلور زمان‌های بعدی آن تا ابدیت است، چرا که آیات این کتاب الاهی هیچگاه کهنه نشده و امروزه نیز تمامی دستورات و احکام آن نسبت به نیاز امروزی قابل اجرا می‌باشد.

علت نزول قرآن در طول زمان

پیامبر مسؤلیت‌های بزرگتری بر دوش دارد و یک چنین فردی در مسیر انجام وظایف رسالت، با مشکلات و دشواری‌های فرساینده‌ای روبرو می‌گردد، و چنین مشکلاتی هر چه هم روح و روان بزرگ باشد، موجب کاهش نشاط و طراوت می‌گردد. در این موقع، تجدید ارتباط با جهان ماوراء طبیعت و تکرار نزول فرشته از جانب خداوند، به روح انسان نیرو و توان بخشیده، روان او را پر از نشاط و معنویت می‌سازد، و عنایت الاهی و محبت‌های بی پایان او با تکرار نزول وحی، تجدید می‌گردد. قرآن مجید به این نکته‌ی روانی چنین اشاره می‌فرماید: **﴿کذلک لنثبت به فؤادک؛[۶۵] تدریجا فرستادیم که دل ترا نیرو بخشیم و آن را با تجدید عهد استوار سازیم.﴾** جمله یاد شده را می‌توان ناظر به جهت دیگری نیز دانست و آن اینکه مصالح آموزشی ایجاب می‌کرد که قرآن به صورت تدریجی نازل گردد، و بدینسان نیز بر مردم القاء شود، زیرا پیامبر معلم امت و طبیب روحی مردم است که با نسخه‌های آسمانی برای تعلیم و راهنمایی مردم و درمان دردهای اجتماعی برگزیده شده و به

۶۵. سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان.

اجرای دستورهای الاهی به مداوا و درمان آنها گمارده شده است. استوارترین شیوه آموزشی این است که جنبه‌های فکری با جنبه‌های عملی، آمیخته گردد و آنچه را که معلم، تدریس می‌کند بلافاصله آن را در خارج پیاده کند، و به نظریات خود جنبه‌ی تحقیقی دهد. و از این که افکار و نظریات او رنگ تئوری و فرضیه به خود بگیرد، سخت بگریزد. هرگاه استاد رشته‌ی پزشکی، فقط کلیات و اصول پزشکی را به دانشجویان کلاس خود القاء کند، چندان نتیجه نمی‌گیرد؛ ولی اگر همان اصول را در برابر دیدگان دانشجویان در مورد یک بیمار پیاده کند، و گفتار خود را با عمل توأم سازد، نتیجه بیشتری به دست می‌آورد. هرگاه آیات الاهی یک جا نازل می‌گردید در این موقع قرآن فاقد چنین مزیتی می‌شد که به آن اشاره نمودیم. بیان آیاتی که مردم در خود احساس نیاز به فراگیری آنها نکنند، تأثیر چشم‌گیری در قلوب نمی‌گذاشت، ولی اگر پیک وحی، آیات قرآن را در زمینه‌ی نیاز و احتیاج مردم به فرا گرفتن چنین اصول و فروعی نازل کند، به طور مسلم در قلوب مردم حسن اثر بیشتری داشته و رسوخ زیادتری در روان مردم پیدا می‌کند. همچنین درست است که آیات قرآن به طور تدریجی پیرو

یک سلسله مقتضیات نازل شده است ولی این نزول تدریجی مانع از ارتباط و پیوستگی مطالب آن نیست و خداوند آن چنان به آیات آن انسجام و پیوستگی خاصی بخشیده که همت بلند انسان را بر آموزش و ضبط آیات آن قادر و توانا می‌سازد، چنانکه خود قرآن می‌فرماید: «و رتلناه ترتیلا[۶۶]؛ به آیات قرآن نظم و ترتیب خاصی بخشیده‌ایم.»[۶۷]

*** و خواندنش موجب شرح صدر و فرح است:**

اشاره به این است که خواندن آیات قرآن موجب فرح و شرح صدر و برآمدن حاجات و احترامش سبب عزت و مکنت است. در این باره احادیثی را از ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) نقل می‌نمائیم: امام علی (ع) می‌فرمایند: ظاهر قرآن خوش آیند و باطن آن عمیق است.[۶۸] همچنین آن حضرت می‌فرمایند: کتاب خدا که در میان شماست، گوینده‌ای است که زبانش از گفتن حقایق خسته

۶۶. سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان.
۶۷. فروغ ابدیت، چاپ هفدهم، آیةالله جعفر سبحانی، ص ۳۰۵.
۶۸. غرر الحکم، ح ۶۰۶۸.

نمی‌شود، و خانه‌ای است که ارکانش تا ابد از تندباد حوادث در امان است، و عزیزی است که پیروان و یارانش هرگز شکست نمی‌خورند.[۶۹] پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند: بر شما باد به کتاب خدا، زیرا قرآن شفای سودمند و داروی پر برکت است و حافظ کسی است که به آن تمسک جوید و نجات بخش کسی است که از آن پیروی کند.[۷۰] امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: برترین ذکر قرآن است، که سینه‌ها به وسیله‌ی آن باز شوند و درون‌ها روشن و تابناک گردند.[۷۱]

آیه نهم

صیهراء شاها وسِباه[۷۲] وِعَرِقَ بِها وِها شاطا وِشامِعا[۷۳]

درنگ نمود ماه و از میان دو پاره شد و اطاعت نمود آن حضرت را و به هم پیوست

۶۹. عرفان اسلامی، ج ۵، ص ۲۴۸.
۷۰. جامع الاخبارو الاثار، ج ۱، ص ۴۳۲.
۷۱. غررالحکم، ص ۹۵.
۷۲. محضر الشهود: وسیباه.
۷۳. محضر الشهود: وها شاطا و شامعا و عرق بها.

معجزه شق القمر:

این فراز اشاره به واقعه‌ی شق القمر دارد که به دستور پیامبر و به اذن خدای متعال ماه به دو نیم شده و مجدداً به حالت اول بازگشت.

اکنون مطالبی در خصوص اثرات ناشی از این معجزه که چندی قبل توسط یکی از دانشمندان فضائی ایالات متحده آمریکا مطرح شد و ذهن دانشمندان علوم فضائی را به خویش مشغول کرد را بیان می‌نمائیم.

تحقیقات سازمان ناسا در خصوص معجزه شق القمر:

اولین کسی که به وجود اثرات باقیمانده از شکافی در مدار مرکزی ماه اشاره نمود، یک متخصص علوم فضائی به نام **joosf morgan** در سال ۱۹۶۸ بود، پس از تحقیقات بسیاری در این خصوص هیچ دلیل قابل اعتمادی برای این نوار سیاه که در بعضی سطوح ماه دیده می‌شد، پیدا ننمود. حدود دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۷۰ پس از بررسی‌های بیشتر متوجه شد سطوحی که در مسیر اتصال این نوار قرار داشته ولی پیدا نبوده در اثر بعضی

تغییرات در زیر لایه‌ی سطحی پنهان شده است. در همان سال جهت مسافرت به ایالت کالیفرنیا رفت و در کتابخانه‌ی یکی از اساتیدش، کتابی در خصوص پیامبر اسلام حضرت محمّد ﷺ به دست آورد که به زبان لاتین از روی نسخه‌ای دیگر به صورت خطی استنساخ شده بود. استاد وی با توجه به شغل شاگردش قسمتی از کتاب را به مورگان نشان داد که قضیه‌ی معجزه‌ی شق القمر را به صورت اختصار بیان داشته بود.

مورگان پس از تحقیقاتی در این زمینه در سال ۱۹۷۵ رسماً در کمیسیون کارشناسی سازمان فضائی ایالات متحده اعلام نمود که این نوار سیاه چیزی نیست جز تغییری که قرن‌ها پیش در کره‌ی ماه بوسیله‌ی معجزه پیامبر اسلام اتفاق افتاده است. طرح این موضوع برای سران ناسا به سختی قابل درک بود.

اما مورگان تحقیقات خویش را در این باره ادامه داد، ولی متأسفانه حدود دو هفته بعد، مورگان به همراه تمامی اعضاء خانواده‌اش به صورتی مشکوک در اثر یک آتش سوزی عمدی در منزلشان کشته شدند.[۷۴]

---

۷۴. نشریه‌ی الکترونیک IS.U.S مقاله‌ی علمی دکتر جک فولن.

آیه دهم[۷۵]

قاما کودا لاریا کریدا وومیت ندا دییصمح جدیرا

ستاره‌ها و یا برج‌ها به طویله کشیده شوند ـ و بِرُوید کسی که

سزاوار هر گونه کمال است و استوار کند بنیان را

*** ستاره‌ها و یا برج‌ها به طویله کشیده شوند:**

در زمان عرب جاهل قبل از پیامبر، مردم بت‌هائی به شکل ستاره و یا برج‌های فلکی از چوب می‌ساختند که در هنگام ضرورت آنها را برای روشن کردن تنور به طویله برده و آتش می‌زدند.[۷۶]

*** و برویدکسی که سزاوار هر گونه کمال است...:**

این جمله اشاره به وجود مقدس و مبارک حضرت امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام است که شایسته‌ی هر گونه کمال و

۷۵. کتاب محضر الشهود فی رد الیهود متأسفانه بخشی از کتاب وحی کودک را ذکر نکرده و باقی آیات را تنها ترجمه نموده است. از این آیه تا اشاره بعدی هیچ کدام در کتاب فوق طبق نسخ جدید نقل نشده است.

۷۶. بشارات عهدین.

سزاوار امامت و خلافت بلافصل پیامبر گشته و بنیان کاخ رفیع اسلام را مستحکم نمود.[۷۷] و اشاره به فضائل امیرالمؤمنین و اهمیت حضور ایشان در محکم‌نمودن پایه‌های رسالت پیامبر دارد.

آیه یازدهم

رام لبیشطاغا لبوشیا کتلکاه مخبد شغاغاه و ومخیث شغاغاه

برتر از همه ـ و تاج بر سر اوست و بسیار سفید است ـ و

سنگین کند گناهان ایشان را و بر شقاوت خود بمانند

*** برتر از همه:**

با توجه به آیه‌ی قبل یا منظور پیامبر است و یا امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام. که در آیه‌ی دوم **و تاج بر سر اوست و بسیار سفید است** در مورد هر دو بزرگوار صادق است و همچنین در آیه‌ی سوم و **سنگین کند گناهان ایشان را و بر شقاوت خود بمانند** پیامبر را به جرم دعوت به حق پیشانش را شکستند و بدنش مجروح و بر فرق

۷۷. بشارات عهدین.

مبارکش خاک و خاشاک می‌ریختند. به حدی که فرمودند: **ماأوذی نبی مثل ما اوذیت** این شقاوت بی حد گناهان ایشان را سنگین و مستحق عذاب دائمشان نمود.[۷۸] در مورد امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم چنین است. در روایات نقل است که غاصبین خلافت جزء کسانی هستند که در آخرت عذابشان دائم است.

آیه دوازدهم

شبویاه شابا بههیا شعطاطابا لارعا پتیا وورهاباه وعبدا تشویاه ویرحم عل بوخرا حبیبا

وی اسیر کند در ساعت خوبی در سرزمین مرغوب ـ و خدا او را رحم کند به جهت وعده‌ای که درباره‌ی اسماعیل به ابراهیم فرموده بود

*** وی اسیر کند در ساعت خوبی در سرزمین مرغوب:**

اشاره به جنگ بدر است که سپاه اسلام ۳۱۳ نفر بودند و بر سپاه مشرکان و کفار که چند برابر بودند غالب شده و هفتاد نفر از

۷۸. بشارات عهدین.

سران قریش را به اسارت گرفتند. طبق نقل صاحب بشارات عهدین «سرزمین مرغوب» نام همان محلی است که جنگ بدر در آنجا اتفاق افتاد.[۷۹] در تمامی آیات کتاب وحی کودک زمانی که به یک مسئله‌ای که حتی شاید مهم هم نباشد اشاره می‌کند، دلیل بر متفاوت بودن آن با سایر موارد با همین نام و نشان است، مثلاً پیامبر به اسرای جنگ بدر دستور داد هر اسیری که به ده مسلمان سواد خواندن و نوشتن یاد دهد، آزاد است، و این در سیره‌ی هیچ امیری تاکنون دیده نشده است که از تمامی زمینه‌ها بهترین بهره‌برداری را به نفع بشریت انجام دهد.

*** و خدا او را رحم کند...**

اشاره به وعده‌ای که خدا درباره‌ی اسماعیل به ابراهیم فرمود، همان وعده رحمت و شوکت و کثرت نسل نور قدسی محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله و دوازده ستاره فرزوان از آن خورشید اعظم آسمان وحی است.[۸۰] آن چنانکه در مقدمه عرضه شد در این

۷۹. بشارات عهدین.
۸۰. بشارات عهدین.

خصوص روایات و قضایائی متفاوتی موجود است که بعضی از آنها را نقل می‌نمائیم: در کتاب «حافظ و پیر مغان»[۸۱] حدیثی از حضرت رضا ﵇ روایت کرده است که فرمودند: چون خداوند به ابراهیم ﵇ امر نمود، گوسفند را به جای اسماعیل ذبح کند، ابراهیم ﵇ تمنا کرد که ای کاش گوسفند نیامده بود و فرزندش را به دست خود ذبح می‌نمود تا اینکه دلش شکسته شد و به درجه رفیع صبر و رضا فائز گردید، سپس به ابراهیم ﵇ وحی شد که نزد تو چه کسی محبوب‌ترین خلق است؟ عرض کرد: حبیب تو محمّد ﷺ. وحی رسید: که آیا او احب است به نزد تو یا نفست؟ عرض کرد: بلکه او احب است به سوی من از نفسم. فرمود: آیا فرزند او را بیشتر دوست می‌داری یا فرزند خود را؟ عرض کرد: فرزند او را. فرمود: آیا مذبوح شدن فرزند او به تیغ ستم دشمنان بیشتر دلت را می‌سوزاند یا ذبح فرزندت به دست خودت در راه اطاعت من؟ عرض کرد: ذبح فرزند او به دست دشمنان بیشتر دلم را می‌سوزاند. فرمود: ای ابراهیم جمعی که گمان می‌کنند خود را

۸۱. حافظ و پیر مغان، اثر جناب حجة‌الاسلام والمسلمین حاج سید عباس موسوی مطلق، چاپ انتشارات هنارس، ص ۱۳۱.

از امّت خاتم الانبیاء، هر آینه خواهند کشت فرزندش حسین ﵇ به ظلم و عدوان مانند گوسفند و به این عمل مستحق غضب و سخط من می‌شوند. پس ابراهیم جزع نمود و دلش شکست و گریست؛ وحی شد که ای ابراهیم فدا نمودم جزع تو را بر اسماعیل به جزعت بر حسین ﵇ و واجب نمودم از برای تو درجات رفیعه اهل مصایب را و این است: ﴿وَ فَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ﴾[۸۲] ذبیحه بزرگی را فدای او کردیم.[۸۳]

آیه سیزدهم

تیتی شاعاه وتیت قوف تشوعاه وییر به نبواه شاطط ویملا کال ازعاه * تِشکب تفارا و ترِب کبُورا وِیَشزو اسیرا[۸۴]

بیاد ساعتی که فرج قوی گردد و نبوت بسیار شود و مانند سیل جهان را پر کند * زیاد شود شرافت و بسیار گردد جبروت و گشوده شوند اسیران و بندیان

۸۲. سوره‌ی مبارکه‌ی صافات، آیه‌ی شریفه‌ی ۱۰۷.

۸۳. خصائص الحسینیه مرحوم آیة‌الله شیخ جعفر شوشتری، ص ۲۱۹، بحارلانوار، ج ۴۴، ص ۲۲، عیون الاخبار، ج ۱، ص ۲۰۹.

۸۴. محضر الشهود: تشک تفارا و ترب کبورا و یشترو أسیرا.

بشارات ظهور حضرت امام زمان علیه‌السلام:

به صراحت اشاره به ظهور منجی عالم بشریت حضرت بقیة‌الله الاعظم علیه‌السلام دارد. وحی فوق بشارت از یک عصر درخشان و سعادت جهانی می‌دهد که عالم انسانیت حیات نوینی یافته و نتیجه و هدف انبیاء الاهی و رجال برجسته‌ی وحی یکجا و به تمام معنی آشکار گردد، و فرج و نصرت الاهی با نهایت قدرت و جبروت هویدا می‌شود، که گوئی تمامی پیمبران الاهی به یکجا گرد آمده و آنچنان ایجاد انفجار و انقلاب روحانی و معنوی نموده‌اند که آثار دعوت و تربیت آنان همچون سیل جهان را پر کرده و سراسر کره‌ی مسکون بشریت به زیر پرچم حق و عدالت گرد آید، و شر و فساد و بیدادگری و انحراف و اختلاف عقائد و ادیان به کلی از اجتماع بزرگ جهانی رخت بر بسته، و جای خود را به خیر و صلاح و عدل و استقامت و عقیده و آئین یگانه دهد.

آیه‌ی بعدی نیز اشاره به زمان ظهور امام زمان علیه‌السلام دارد که در زمان ظهور آن حضرت مظهر قدرت و جبروت الاهی شرافت و جبروت خداشناسان و اهل ایمان زیاد و غلبه‌ی حق بر باطل آشکار می‌گردد. و بندگان از شهوت و شیطنت رها شده و جهان روی

آرامش به خود خواهد دید، ان‌شاءالله. در خصوص عصر ظهور و دوران پس از ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام روایاتی را نقل می‌نمائیم:[۸۵]

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «وقتی قائم قیام کند، هیچ سرزمینی نمی‌ماند مگر اینکه ندای شهادت به یگانگی خدا و نبوّت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در آن به گوش برسد.»[۸۶]

امام کاظم علیه‌السلام در تفسیر آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی حدید فرمود: «این که خداوند زمین را بعد از مرگش زنده می‌کند. مراد این نیست که زمین را با باران زنده می‌کند، بلکه خداوند مردانی را بر می‌انگیزد که زمین را با احیای عدالت و اقامه‌ی حدود الاهی زنده سازند.»[۸۷]

حضرت امام علی علیه‌السلام در ذکر دست‌آوردهای قیام حضرت مهدی علیه‌السلام می‌فرمایند: «آن زمان که مردم قرآن را طبق هواهای خویش توجیه کرده باشند او رأی و فکر آنان را به سمت قرآن سوق می‌دهد و آن را در خدمت حقایق قرآنی قرار می‌دهد... پس

---

۸۵. نقل از کتاب فریادرس دادخواهان حضرت مهدی علیه‌السلام، اثر حجة‌الاسلام والمسلمین محمّد لک‌علی‌آبادی، انتشارات هنارس.

۸۶. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۸۷. مکیال‌المکارم، ج ۱، ص ۸۱.

به شما نشان خواهد داد که چگونه کتاب و سنّت فراموش شده و مفاهیم زنده‌ی آن را احیاء خواهد کرد.»[۸۸]

رسول خدا ﷺ فرمود: «مهدی از فرزندان من است، او را غیبتی است، هنگامیکه ظهور کند، زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است.»[۸۹]

امام باقر (ع) فرمود: «آنچه پیامبر ﷺ انجام داد او نیز انجام می‌دهد، بنیان‌های پیشین را درهم می‌شکند، چنان که رسول‌الله ﷺ امر جاهلیّت را در هم شکست، و او اسلام را دوباره از سر می‌گیرد.[۹۰] علم بیست و هفت حرف است، همه‌ی معارفی که پیامبران (ع) آورده‌اند، فقط دو حرف است. وقتی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر علم را ابراز کند و آن را در بین مردم گسترش دهد.»[۹۱]

امام باقر (ع) فرمود: «وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست بر سر بندگان نهد و عقول آنان را جمع کند و سامان بخشد و فکر و

۸۸. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۴، ملاحم.
۸۹. ینابیع المودة، ص ۴۴۸.
۹۰. مکیال‌المکارم، ج ۱، ص ۵۷.
۹۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

اندیشه‌ی آنان را کامل گرداند.»[۹۲]

از صحف ادریس (ع) نقل شده که: «در زمان خروج قائم آل محمّد ﷺ به زمین امنیت بخشیده می‌شود، ضرر رسانیدن به هم و ترس از یکدیگر از بین می‌رود.»[۹۳]

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «در آن زمان زنی بین عراق تا شام پیاده می‌رود؛ در حالی که هیچ کس و هیچ چیز او را نمی‌ترساند.»[۹۴] امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «اگر قائم ما قیام کند... کینه و ستیزه و جدل از دل‌های بندگان برود.»[۹۵]

امام صادق (ع) در بیان حال مردم پس از ظهور حضرت مهدی (ع) می‌فرمایند: «مردم در زمین به نافرمانی خدا نمی‌پرازند.»[۹۶]

* * *

۹۲. منتخب الاثر، ص ۴۸۳، به نقل از کافی.
۹۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۴.
۹۴. مکیال‌المکارم، ج ۱، ص ۱۰۱.
۹۵. همان.
۹۶. منتخب الاثر، ص ۴۹۷.

آیه چهاردهم

یهیه بن امتا لبیش ایمتا و علیل بحمتا لمودها لبر ححوتبا

می‌پوشد پسر کنیزک لباس کهنه‌ی سیاست را و بیرون آید با

خشم برای کم گردانیدن پسرخواهرخودکه‌اولادعیص می‌باشند

*** لباس کهنه‌ی سیاست:**

طبق نقل بشارات عهدین این آیه اشاره دارد به پیامبر که با در دست داشتن همه گونه وسائل رفاه مانند ضعیفترین افراد، لباس و مسکن و غذا تهیه می‌کرد و درب خانه‌اش به روی همه باز بود. همچنین «عیص» برادر یعقوب و داماد حضرت اسماعیل است. طایفه‌ی قیدار که پیامبر از نسل آنهاست فرزندان حضرت اسماعیل هستند و طایفه‌ی ادومی فرزندان عیص هستند که عمه‌زاده طایفه‌ی قیدار می‌باشند. بسیاری از وابستگان پیامبر در زمان خود ایشان و بسیاری از عاملان حوادثی چون عاشورا از طایفه‌ی ادومی هستند که در آیات مربوط به امام حسین علیه‌السلام توضیح داده خواهد شد. بر این اساس آن حضرت پسر عموی طایفه‌ی ادومی است.

آیه پانزدهم

کریخ بارعا لفنو ارعا و کبیه مساه و مکبیه بعلما شیسه

بپیچد در زمین - از برای خالی کردن زمین - و پیش او است

انبری که بر می‌چیند بتان روی زمین را

برچیده شدن بت‌ها:

اشاره دارد به خورشید فروزان حضرت پیامبر که سراسرجهان را روشن نمود، به جهت آنکه مردم را از ظلمات جهل و بی ایمانی رهانیده و زمین را از شر و فساد خالی کند. و ادامه آیه اشاره دارد به حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام که به امر پیامبر پای بر کتف مبارکش نهاد و بتهائی را که مشرکین به خانه‌ی کعبه آویخته بودند فرو ریخت. روایتی دیگری هم می‌گوید که با توجه به موقعیت مکانی آیه اشاره دارد به زمان ظهور امام زمان علیه‌السلام که ندای حضرت در سراسر زمین می‌پیچد و زمین را از شر و فساد خالی می‌کند و قسمت «پیش او است انبری که بر می‌چیند بتان روی زمین را» مربوط به ید مبارک حضرت دانسته که بوسیله شمشیر و سلاح در زمان نیاز و بوسیله علم و منطق در موارد مختلف بت‌های ساختگی بشریت در تمامی انواع را نابود می‌سازد.

آیه شانزدهم

شیتا شیقا ومشتیتا عافا ومعقا عیقا مشتنفا[۹۷]

شش نفر آرزومند به سختی افتد سختی پس از سختی و چسبیدگان به زحمت افتند

کربلا و عاشورا

در این آیات نام هیچ یک از شهدای کربلا حتی خود حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام ذکر نشده و تنها به علامات و خصوصیات آنها اشاره شده است. شش نفر آرزومند مذکور که به شکنجه و سختی شدید آنان اشاره شده مورد دو احتمال است: ۱. شش نفر از فرزندان حضرت حسین بن علی علیه‌السلام: علی اکبر، محمّد، عثمان، عون، و دو طفل شیرخوار آن حضرت، علی اصغر و عبدالله علیهماالسلام. ۲. حضرت عباس علیه‌السلام، حضرت علی اکبر، قاسم بن الحسن، عبدالله بن الحسن و دو طفل مسلم بن عقیل علیهماالسلام البته مورد سومی هم وجود دارد لکن بدلیل اینکه در بعضی مقاتل نامی از آنها برده نشده بود نقل نکردیم.

۹۷. محضر الشهود: شینا شیقا و مشتیتا عاقا و معقا عیقا و دیقا مستنقا.

*** چسبیدگان به زحمت افتند:**

طبق نقل بشارات عهدین اشاره به دو نفر از طایفه‌ی انصار دارد که در شب عاشورا از سپاه عمر سعد جدا شده و به اصحاب امام پیوستند و در روز عاشورا به شهادت رسیدند.

آیه هفدهم

رعسا مترسا و ناصا و حلسا دیسا[۹۸]

به سختی و عذاب افتد و کنده شوند و خُرد گردند

مصائب کربلا:

این جمله اشاره دارد به زمانی که پیکر مقدس حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام و برادران و فرزندان و سایر شهداء زیر پای سربازان دشمن و اسبان تکه تکه گشتند. خصوصاً پیکر پاک خود آن حضرت. بعد از شهادت آن حضرت عمر بن سعد در میان سربازان خود فریاد زد: «چه کسی حاضر است با اسب بر سینه و کمر حسین بتازد؟» ده نفر خود را آماده کردند که عبارت بودند از:

۹۸. محضر الشهود: رعصا مترسا و ناصا و حلسا دیسا.

اسحاق بن حوبه، اخنس بن مرثد، حکیم بن طفیل سنبسی، عمر بن صبیح صیداوی، رجاء بن منقذ عبدی، سالم بن خثیمه جعفی، واحظ بن ناعم، صالح بن وهب جعفی، هانی بن شبث حضرمی و اسید بن مالک ـ لعنةالله علیهم ـ این ده نفر بر بدن امام حسین علیه‌السلام تاختند به حدّی که استخوان‌های سینه و کمر آن حضرت خُرد گردید.[99]

آیه هجدهم

قفیصا متعرفا عل یدسا دسفاد[100] سافاه کصورفاه بت روفاه نتیباه لحوباه[101]

سر از قفا با خنجر بریده شود ـ دو دست قطع گردد ـ در کنار شط فرات واقع شود ـ تغییراتی در زمین و آسمان پدید آید

۹۹. لهوف / ۱۳۴، مثیرالأحزان / ۷۸، ارشاد: ۲ / ۱۱۸، نفس المهموم / ۳۷۷، بحارلانوار: ۴۵ / ۵۹ مناقب: ۴ / ۱۱۱، مقتل خوارزمی: ۲ / ۳۸، تاریخ طبری: ۵ / ۴۵۴، مقتل مقرّم ۳۸۹ به نقل از کامل ابن اثیر و مروج الذهب و بدایه کثیر و تاریخ الخمیس و اعلام الوری و روضة الواعظین و...

۱۰۰. محضر الشهود: دسفاه.

۱۰۱. محضر الشهود: کصرفا بتر وفانپتسا پحوما.

*** سر از قفا با خنجر بریده شود:**

در روایات مقاتل آمده است هنگامی که شمر بر سینه‌ی حضرت نشسته بود، حضرت فرمودند: می‌دانستم کشنده‌ی من تو خواهی بود، زیرا که تو پیسی، و در خواب دیدم که سگانی بر من حمله کردند و مرا می‌دریدند و در میان آنها سگ ابلق پیسی بود که بیشتر بر من حمله می‌کرد و جدّم رسول خدا ﷺ نیز چنین خبر داده بود. شمر خشمگین شد و گفت: مرا به سگ تشبیه می‌کنی؟ سپس گفت: ای فرزند ابوتراب، تو ادّعا می‌کنی که پدرت ساقی حوض کوثر است، صبر کن تا تو را آب دهد، حضرت فرمودند: آیا مرا می‌کشی و می‌دانی که من کیستم؟ آن لعین گفت: تو را می‌کشم و پروا نمی‌کنم. پس به دوازده ضربت سر مبارك آن حضرت را از پشت گردن جدا کرد.[102]

*** دو دست قطع گردد:**

این آیه اشاره دارد به جدا شدن دستان مبارک ساقی دشت کربلا حضرت اباالفضل العباس علیه‌السلام که چگونگی شهادت آن

۱۰۲. جلاءالعیون / ۴۱۰ ـ بحارالانوار: ۴۵ / ۵۶.

بزرگوار به روایات معتبر بصورت مختصر چنین است: جناب ابوالفضل العباس علیه‌السلام وقتی برادران خود را به میدان فرستاد و به شهادت رسیدند و امام علیه‌السلام دیگر یار و یاوری نداشت به خدمت برادر آمد و اجازه میدان خواست، امام علیه‌السلام فرمود: تو پرچمدار منی. حضرت اباالفضل علیه‌السلام عرض کرد: برادر سینه‌ام تنگ شده و از زندگی سیرگشته‌ام. امام فرمود: حال که عزم رفتن به میدان کارزار داری قدری آب برای این اطفال که از شدت عطش فریادشان بلند است بیاور. سقای کربلا مشک آب بدوش افکند و سوار بر اسب شد و در مقابل لشکر دشمن ایستاد و پس از نصیحت مردم، به ابن سعد خطاب کرد و فرمود: پسر سعد! این حسین پسر دختر رسولخدا است که شما همه یاران و اهل بیت او را کشتید، زنان و فرزندانش تشنه‌اند آنها را آب بدهید که دلهای آنان از تشنگی می‌سوزد و مع ذلک میگوید: مرا رها سازید تا به روم یا هند بروم و عراق و حجاز را به شما واگذارم. همه سپاه در سکوت فرو رفتند، شمر ملعون صدا زد: پسر ابوتراب اگر همه دنیا را آب بگیرد و در اختیار ما باشد یک قطره بشما نمی‌دهیم مگر آنکه بیعت یزید را بپذیرید. قمر بنی هاشم از آنان مأیوس شد و به

نزد برادر برگشت و طغیان و سرکشی دشمن را به عرض امام رسانید ولی در همین حال صدای العطش العطش، الماء الماء کودکان بلند شد، ابی الفضل نگاهی به چهره کودکان افکند مشاهده کرد لبها از کثرت تشنگی خشک و چهره‌ها تغییر کرده آب بدنشان تمام شده و مشرف به مرگند لذا بدون تأمل شتابان بسوی شریعه برگشت و چون برابر نگهبانان شریعه فرات رسید به آنان حمله کرد و آنها را از شریعه دور گردانید و وارد شریعه فرات شد و مشک را پر از آب کرد. از شریعه خارج شد، نگهبانان و موکلین شریعه اطرافش را گرفتند و قمر بنی هاشم در حالیکه به آنان حمله می‌کرد دشمن از برابر ابی الفضل العباس علیه‌السلام میگریخت و تاب تحمل ضرب شصت او را نداشت، زید بن ورقاء حنفی که در پشت درخت کمین کرده بود دست راست قمر بنی هاشم را قطع نمود و آن جناب پرچم و شمشیر را بدست چپ گرفت. آنگاه حکیم بن طفیل سنبسی از کمین بر آمد و دست چپ عباس علیه‌السلام را قطع کرد قمر بنی هاشم پرچم را به سینه چسبانید. در بعضی مقاتل آمده که ابی الفضل علیه‌السلام بعد از آنکه دستهایش قطع شد مشک را به دندان گرفت و به مرکب فشار می‌آورد که سریع حرکت کند. در این موقع

مردی از قبیله تمیم با عمود آهنین به فرق مبارکش نواخت که از اسب به زمین افتاد. با صدای بلند فریاد زد: برادر مرا دریاب. امام علیه‌السلام خود را به نعش برادر رسانید و او را دست بریده و چهره مجروح و شکسته و چشمان تیر خورده یافت. امام با کمر خمیده کنار نعش برادر ایستاد و چون قدرت ایستادن نداشت در کنارش بر زمین نشست. فرمود: الان کمرم شکست و چاره‌ام از هم گسست.[۱۰۳]

*** در کنار شط فرات واقع شود:**

این آیه بسیار واضح و نمایان است و محل وقوع حادثه‌ی عاشورا را به صراحت بیان می‌دارد.

*** تغییراتی در زمین و آسمان پدید آید:**

در رابطه به این مورد روایات زیادی وارد شده و اقوال مختلفی است، از جمله اینکه دو خورشید در آسمان دیده شد، گرد و غباری بسیار شدید برخاست و صحنه‌ی کربلا را دگرگون کرد

۱۰۳. حسین نفس مطمئنه.

آسمان به رنگ دیگری بود و... هنگام شهادت امام حسین علیه‌السلام گرد و غبار شدید و سیاه و ظلمانی آسمان کربلا را فرا گرفت، که روز روشن همچون شب تاریک شد، و آن چنان بادی سرخ وزیدن گرفت که از هیچ کسی عین و اثری دیده نمی‌شد. مردم گمان کردند که عذاب بر آنان فرود آمد. ساعتی چنین بود و سپس هوا روشن شد[۱۰۴]. ابن قولویه از حلبی روایت کرده که امام صادق علیه‌السلام فرمودند: چون امام حسین علیه‌السلام کشته شد کسی در میان لشکر کوفه با تندی فریاد زد، و به آنها گفت: چگونه فریاد نزنم با آنکه می‌بینم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ایستاده نظری به زمین می‌افکند و نظری به گروه شما، می‌ترسم بر اهل زمین نفرین کند، و هلاك شوند. لشکر کوفه بعضی به بعضی گفتند: این دیوانه است و جمعی از ایشان ـ که توّابین باشند ـ از این صدا متنبّه شدند و گفتند: بخدا ما با خود چه کردیم! به خاطر پسر سمیّه، سید جوانان اهل بهشت را کشتیم. راوی عرض کرد: قربانت شوم، آن فریاد کننده که بود؟ فرمودند: او نبود مگر جبرئیل، و اگر اجازه داشت نعره‌ای می‌زد که روحهای آن کافران از بدنهایشان بیرون می‌آمد و به دوزخ می‌رفتند، و لکن

۱۰۴. لهوف / ۱۲۷.

خداوند به آنها مهلت داد که گناه ایشان زیاد شود و برای آنها عذاب دردناك خواهد بود...[۱۰۵] درباره‌ی گریستن فرشتگان و پیغمبران و اوصیاء آنان و اجنّه، و عزاداری و مرثیه آنان بر حسین مظلوم علیه‌السلام و تأثیر شهادت آن بزرگوار بر موجودات در روز شهادت آنجناب، و گریستن آسمان و زمین و سایر موجودات، و پدید آمدن انقلاب ودگرگونی در عالم، و وزیدن بادهای مخالف، و تغییر هوا، وکسوف و خسوف، و باریدن خون از آسمان، و تاریک شدن هوا به طوری که ستاره‌ها در روز پدیدار شدند، و نیز دیده شدن خون تازه زیر هر سنگی که برداشته می‌شد، و پدید آمدن سرخی در آسمان و...احادیث بسیار زیادی است، که حتی علماء عامه هم در کتب خود آورده‌اند.[۱۰۶] در حدیثی از حضرت

۱۰۵. کامل الزیارات / ۳۳۶ ب ۱۰۸ ح ۱۴.

۱۰۶. بحارالانوار: ۴۵ / ۲۰۰، و نفس المهموم / ۴۷۶ تا ۴۹۶ ب ۴، و کامل الزیارات باب ۲۶ تا ۳۱، و احقاق الحقّ: ۱۱ / ۴۵۸ تا ۴۹۰، و منتهی الآمال: ۱ / ۴۵۱، مقتل مقرّم / ۳۶۵ تا ۳۷۹. و از منابع اهل تسنّن: طبقات ابن سعد جزء امام حسین علیه‌السلام / ۹۱ ح ۳۲۶، حلیةالأولیاء: ۲ / ۲۷۶، مجمع الزوائد: ۹ / ۱۹۷، الصّواعق المحرقة / ۱۹۴، تذکرة الخواصّ / ۲۴۵، ذخائر العقبی / ۱۴۵، مقتل خوارزمی: ۲ / ۸۹ تا ۹۱، الاتّحاف بحبّ الأشراف / ۷۲، نظم دُرَو السّمطین / ☜

صادق علیه‌السلام آمده است: چهل روز، بعد از واقعه‌ی کربلا، آفتاب به رنگ سرخ، طلوع و غروب می‌کرد.[۱۰۷]

آیه نوزدهم

صِبوعا نِصبیعا لسرفا و نفرعا و میودعا بدیها بشوعا تشتعشعا[۱۰۸]

خیمه‌های رنگینی که جای نشستن فرزند زادگانست سوخته شود و آشکار شوند خویشان معروف که به ناز پرورده شده بودند و شایع گردد و با لب تشنه کشته شود

خیمه‌های سوخته‌ی رنگین:

مقصود از فرزند زادگان نواده‌های پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و حضرت

☜ ۲۲۰، کفایة الطّالب / ۴۴۴، المعجم الکبیر: ۳ / ۱۱۳ و ۱۱۹، تاریخ الخلفاء / ۲۰۷، سیر اعلام النّبلاء: ۳ / ۳۱۴، البدایة و النّهایة: ۸ / ۱۷۱، کامل ابن اثیر: ۴ / ۹۰، الذّریّة الطّاهرة دولابی / ۱۳۵ ح ۱۷۰، ینابیع المودّة / ۳۲۰ تا ۳۳۲ ب ۶۰ و ص ۳۵۶ ب ۶۲.

۱۰۷ ـ بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۰۵، ص ۱۷۵، روایت ۱۳، و ص ۱۸۲، روایت ۲۵، و ج ۴۵، ص ۲۱۵، روایت ۳۸، و ص ۲۱۸، روایت ۴۵.

۱۰۸. محضر الشهود: صبوعا نصپعا نسرفا و نفرعا و میودعا بدیعا شبوعا نشتعشعا.

علی ابن ابیطالب علیه‌السلام است که لشکر دشمن پس از کشتن حضرت امام حسین علیه‌السلام و سوختن بال و پر پروانه‌های شمع وجود، به جایگاه و خیام امام حمله برده و خیمه‌های آنان را آتش زدند و فرزندان رسول خدا که به عظمت پرورده شده بودند از خیمه‌های سوخته برون شتافته و پراکنده‌ی بیابان‌ها گشتند. سپاه عمر سعد به سرکردگی شمر لعنة الله علیه خیمه گاه را محاصره کردند شمر دستور داد وارد خیمه شوید و زینت و زیور زنان را غارت کنید! جمعی وارد خیام و حرم رسولخدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شدند و هر چه بود به غارت بردند. قسمت دوم آیه اشاره دارد به زمان اسارت اهل بیت امام حسین علیه‌السلام که دشمنان خدا و پیامبر آن عزیزان را در بازار کوفه و شام به گردش درآورده و اهل بیت پیامبر را به مردم نشان دادند.

آیه بیستم[۱۰۹]

پیسا پرسنا و نیرمسا متکیسا و پیرسا متنیسا و متیحسا بیحوسا. یک دسته نفقه خورها و پایمال شده‌ها و جوقه بندها و

۱۰۹. از این آیه به بعد نیز در محضر الشهود هیچ مطالبی بیان نکرده و هیچ اشاره‌ای به این آیات ننموده است.

دعاکن‌ها و شجره‌بندها و به شجره بندها شجره‌ی معتبره خود را منتهی کرده.

اسارت:

جملات فوق خبر از صدمات بی شماری می‌دهد که پس از واقعه‌ی عاشورا متوجه ذریه پاک پیامبر گردیدکه به طور مشروح در تواریخ و به صورت مجمل در صفحات قبل توضیح داده شده است. منظور از نفقه خورها و.... وابستگان و خانواده عزیز پسر پیامبر هستند که پس از نهایت عزت و عظمت حقوقشان پایمال و حرمتشان هتک گشته و در فاصله اندکی شدیدترین مصائب را تحمل نمودند. خصوصاً عقیله اهل بیت و سرپرست کودکان و یتیمان زینب کبری علیهاالسلام که می‌توان گفت فرمایش مادر بزرگوارش در مورد وی نیز مصداق پیا کرد که فرمود:

صبت علی مصائب لوانها   صبت علی الایام صرت لیالیا

ناگواری‌ها و مصائبی بر من ریزش کرد که اگر بر روزها فرو می‌ریخت از شدت مصیبت همچون شب تار می‌شدند.[۱۱۰]

۱۱۰. بشارات عهدین، ص ۳۹۳.

آیه بیست و یکم

اتیا اوما مسر هبا بنی ادومه

بیاد امتی سرسخت که از اولاد ادومی باشند

اولاد ادومی:

طایفه‌ی ادومی بر حسب آنچه مستر هاکس در قاموس مقدس نوشته از نسل «عیص» برادر یعقوب بوده‌اند و چون پیامبر از اولاد قیدار فرزند اسماعیل است، روی این اصل آن حضرت پسر عموی طایفه‌ی ادومی است.[۱۱۱] و چون بعضی از جنایتکاران کربلا و درباریان عمر سعد و یزید از وابستگان حضرت سیدالشهداء عليه‌السلام بودند، از آنها به فرزندان ادومه یاد شده است. و علت بیان «سرسخت» این است که در طول تاریخ چنین جنایتی از هیچ کس سر نزده و هیچ کسی دست خود را به چنین خونی آلوده نکرده است. و دیگر علتش این بود که اباعبدالله عليه‌السلام چندین مرتبه با آنان اتمام حجت کرد و راهنمائی‌های فرمود منتهی آن قوم سنگدل توجهی ننمودند.

۱۱۱. بشارات عهدین، ص ۲۹۴.

آیه بیست و دوم

لبع بوعا و مربه یابسا و رحیم ببت طوبه یشنا ببت انه

از برای جوشش مردم و بسیاری در اصول و دوست داران جماعت خوب و دشمن داران جماعت کینه دار

محبت شیعیان:

طبق نقل صاحب بشارات عهدین اشاره دارد به عشق و علاقه‌ای که مردم به امام حسین عليه‌السلام و عاشورا دارند که خون مردم را به جوش می‌آورد.

در این رابطه امام صادق عليه‌السلام می‌فرمایند:

اِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَیْنِ عليه‌السلام حَرارَةً في قُلُوبِ الْمؤمِنین لا تُبْرَدُ اَبَداً؛ در شهادت امام حسین عليه‌السلام آتشی در دل مؤمنین برپاست که هیچ وقت سرد نخواهد شد.[۱۱۲]

و در ادامه آیه اشاره دارد به محبتی که اصحاب اباعبدالله عليه‌السلام در کربلا به هم داشته و بغضی که از دشمنان آن حضرت به دل داشتند.

۱۱۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، باب ۴۹، ص ۳۱۸..

آیه بیست و سوم

من دروما یشکا ولحدا یدعه و بیشت قکه یرکه وبالف قاف یوقه. از ناحیه جنوب بسیارشود ـ و بغایت ماهی وار زیادگردد و در سال یکصد و بیست و پنج وارد شود ـ و غمگین گردد به جهت مصائبی که روی داده است بر اولادش ـ و هر هزار و یکصد درس گفته شود.

بنی عباس

طبق نقل بشارات عهدین این آیه اشاره به بنی عباس دارد که در نواحی جنوب رو به ازدیاد نهاد و مانند ماهیان دریا زیاد شده و در سال ۱۲۵ هجری شالوده‌های حکومتشان آماده شد. ارتباط بنی عباس با قیام عاشورا به این دلیل است که شالوده‌ی نهضت و خلافتشان بر اساس خونخواهی حضرت امام حسین علیه‌السلام نهاده شده بود و در نتیجه به نفع خودشان خاتمه دادند. با این وصف بنی عباس با همان قدرتی که از ناحیه‌ی قیام عاشورا و امام حسین علیه‌السلام و بنی هاشم و اولاد حضرت علی علیه‌السلام بدست آورده بودند با نهایت بی رحمی به حبس و تبعید و قتل و زجر اولاد

امیرالمؤمنین علیه‌السلام پرداخته و امامان معصوم علیهم‌السلام را به شهادت رسانیدند.

مجلسیین

پایان آیه اشاره دارد به زمان مجلسیین که حوزه‌ی علمیه شیعه در کمال عظمت بود و محصلین علوم دینی از محضر علمای بزرگ استفاده‌های علمی می‌نمودند.[۱۱۳]

توضیح پایانی

صفحاتی که گذشت قسمت اول کتاب نبوئت هیلد بود. همانگونه که عرض شد علمای یهود تاکنون از مطرح شدن بخش دیگر این کتاب خودداری نموده‌اند، هر چند ما در این زمینه تحقیقاتی زیادی انجام دادیم، ولی تاکنون به بخش دیگر دست نیافته‌ایم و به طور قطع از مفهوم آن آگاهی نداریم، تنها راهنمایی و اشاراتی است که قبلاً معروض داشتیم.

---

۱۱۳. بشارات عهدین.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. heavenward periodical 505 issue 11 october 2001.
۴. احقاق‌الحق
۵. ارشاد
۶. از کربلا تا کربلا
۷. اسباب النزول، تفسیر نبوی
۸. اسرار شهادت پیامبر
۹. اسرار کربلا
۱۰. اصول کافی
۱۱. اظهار الحق
۱۲. اعلام الوری
۱۳. اقامة الشهود فی رد الیهود
۱۴. الاتحاف بحب الاشراف
۱۵. الارشاد شیخ مفید
۱۶. البدایة النهایة
۱۷. الخرائج و الجرائح
۱۸. الذریة الطاهرة دولابی
۱۹. الرحلة المدرسیه
۲۰. الصراط المستقیم
۲۱. الصواعق المحرقة
۲۲. الطبقات الکبری
۲۳. العقائد الوثنیة
۲۴. الکامل فی التاریخ
۲۵. المعجم الکبیر
۲۶. المغازی
۲۷. الهدی الی دین المصطفی
۲۸. امالی شیخ صدوق
۲۹. انجیل برنابا
۳۰. انساب الاشراف
۳۱. انیس الاعلام
۳۲. اهل بیت در آئینه نهج البلاغه
۳۳. بحارالانوار
۳۴. بدایة کثیر
۳۵. بشارات عهدین
۳۶. بصائر الدرجات
۳۷. پاسخ به شبهات
۳۸. تاریخ الخلفاء
۳۹. تاریخ الخمیس
۴۰. تاریخ طبری
۴۱. تذکرة الخواص
۴۲. ترجمه لهووف سید ابن طاووس
۴۳. تفسیر المیزان
۴۴. تفسیر برهان
۴۵. تورات (سفر تکوین، خروج، لاویان، اعداد، تثنیه)
۴۶. تورات صهیونیست
۴۷. تهذیب الاحکام
۴۸. جامع الاخبار و الاثار
۴۹. جهت‌گیری طبقاتی اسلام
۵۰. حافظ و پیر مغان
۵۱. حسین نفس مطمئنه

۵۲. حلیةالاولیاء
۵۳. خصائص الحسینیه
۵۴. خصال شیخ صدوق
۵۵. دائرةالمعارف آلمانی
۵۶. دائرةالمعارف انگلیسی
۵۷. دائرةالمعارف بستانی
۵۸. دائرةالمعارف روسی
۵۹. دائرة المعارف فضائی
۶۰. دیوان ادیب الممالک
۶۱. ذخائر العقبی
۶۲. رساله هادیه
۶۳. روضة الصفا
۶۴. روضةالواعظین
۶۵. ستیزه‌شناسی
۶۶. سیر اعلام النبلاء
۶۷. سیره ابن هشام
۶۸. سیره حلبی
۶۹. سیمای محمد
۷۰. شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید
۷۱. صحف ادریس
۷۲. طبعات ابن سعد
۷۳. عرفان اسلامی
۷۴. عیون الاخبار
۷۵. غرر الحکم
۷۶. فروغ ابدیت، آیةالله سبحانی
۷۷. فریادرس دادخواهان
۷۸. قاموس مقدس
۷۹. کامل ابن اثیر
۸۰. کامل الزیارات
۸۱. کتاب ارمیاه
۸۲. کتاب اشعیا
۸۳. کتاب اول و دوم شموئیل
۸۴. کتاب ایوب
۸۵. کتاب تواریخ ایام
۸۶. کتاب حبقوق
۸۷. کتاب حزقیل
۸۸. کتاب حکی
۸۹. کتاب دانیال
۹۰. کتاب زبور داود
۹۱. کتاب صفیناه
۹۲. کتاب ملوک
۹۳. کتاب ناحوم
۹۴. کتاب‌های سلیمان (امثال، واعظ، سرود)
۹۵. کتاب هوشیع
۹۶. کتاب یوشع بن نبی
۹۷. کشف الغمه
۹۸. کفایةالطلاب
۹۹. کمال الدین و اتمام النعمة
۱۰۰. کنز الفوائد
۱۰۱. لمعات النور فی بشارات الظهور
۱۰۲. مجمع البیان
۱۰۳. مجمع الزوائد
۱۰۴. محضر الشهود فی رد الیهود

۱۰۵. مروج الذهب
۱۰۶. مستدرک الوسائل
۱۰۷. مشیر الاحزان
۱۰۸. مفاتیح الجنان
۱۰۹. مقتل خوارزمی
۱۱۰. مقتل مقرم
۱۱۱. مکاتیب الرسول
۱۱۲. مکیال المکارم
۱۱۳. مناقب ابن شهر آشوب
۱۱۴. منتخب الاثر
۱۱۵. منتهی الآمال
۱۱۶. منهاج البراعة
۱۱۷. میزان الحق
۱۱۸. نشریه الکترونیک is.u.s
۱۱۹. نظم دُرُوالسمطین
۱۲۰. نفس المهموم
۱۲۱. نگرش یهود
۱۲۲. وفاء الوفاء
۱۲۳. ینابیع الاسلام
۱۲۴. ینابیع المودة